



A Comparative Study of the Principle of Independence of Criminal Court Judges and its Challenges in the Legal Systems of Kosovo, Palestine and Turkey

Nasrin Mehra ¹, **Morteza Rasteh** ², **Saeed Ghaedi** 

1. Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Iran, Tehran, Email: n_mehra@sbu.ac.ir

2. LLM in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Islamic Azad University, Chalus Branch, Iran, Chalus, (Corresponding Author), Email: morteza.rasteh313@gmail.com

3. PhD Student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, University of Judicial Sciences, Iran, Tehran, Email: saeedghaedilaw@gmail.com

Abstract

The existence of independent criminal courts not only contributes to observing the principle of the rule of law and the separation of powers, but also prevents the executive and legislative bodies from exceeding the limits of their legal authority. This safeguard plays a pivotal role in protecting the fundamental rights and freedoms of citizens and it is essential to emphasize it at all times and under all circumstances. Particularly, within the legal systems of Islamic countries, the principle of judicial independence has always attracted significant attention. In this regard, the countries of Kosovo, Palestine and Turkey, as three legal contexts with different characteristics, have been selected as prominent examples for study in this research, due to their structural diversity and specific challenges in realizing judicial independence. Employing a descriptive-analytical method and adopting a comparative approach, the present article examines and analyzes the status, structure and challenges related to judicial independence in these three countries. The research findings indicate that in Kosovo, judicial independence has been strongly supported, with an emphasis on human rights principles and within the framework of national and international documents, especially in the constitution and the case law of the European Court of Human Rights. In Turkey, despite significant steps taken to strengthen judicial independence, obstacles such as political interference and social pressures remain serious challenges. In Palestine, the specific conditions resulting from foreign occupation and internal problems have created major constraints on the realization of judicial independence. This research shows that in the three countries studied, despite progress in strengthening judicial independence, there is still a need for fundamental reforms in legal structures, strengthening oversight of judicial institutions and confronting political and external pressures in order to effectively realize the true independence of the judiciary in these countries.

Keywords: judicial independence, separation of powers, rule of law, Islamic countries, political interference.

Received: 20/08/2025

Revised: 16/09/2025

Accepted: 01/10/2025

How To Cite: Mehra, Nasrin; Rasteh, Morteza & Ghaedi, Saeed. (2025). A Comparative Study of the Principle of Independence of Criminal Court Judges and its Challenges in the Legal Systems of Kosovo, Palestine and Turkey, *Criminal Law Doctrines of Islamic Countries*, 2 (4), 115-147. <http://www.doi.org/10.22091/dcllic.2025.13685.1104>

Published by: University of Qom

© The Author(s)

Article type: Research





مطالعه تطبیقی اصل استقلال قضات دادگاه‌های کیفری و چالش‌های آن در نظام حقوقی کشورهای کوزوو، فلسطین و ترکیه

نسرین مهرا^۱، مرتضی راسته^۲، سعید قائدی^۳

۱. استاد گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ایران، تهران، رایانامه: n_mehra@sbu.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی از دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد چالوس، ایران، چالوس، (نویسنده مسئول)، رایانامه: morteza.rasteh313@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه علوم قضایی، ایران، تهران، رایانامه: saeedghaedilaw@gmail.com

چکیده

وجود دادگاه‌های کیفری مستقل نه تنها به رعایت اصل حاکمیت قانون و تفکیک قوا کمک می‌کند، بلکه مانع از تجاوز نهادهای اجرایی و تقنینی از حدود صلاحیت‌های قانونی خود می‌شود. این امر در حفاظت از حقوق و آزادی‌های بنیادین شهروندان نقشی محوری ایفا کرده و تأکید بر آن در هر زمان و هر شرایطی ضروری است. به طور خاص، در نظام‌های حقوقی کشورهای اسلامی نیز اصل استقلال قضایی همواره مورد توجه قرار گرفته است. در این راستا، کشورهای کوزوو، فلسطین و ترکیه به عنوان سه بستر حقوقی با ویژگی‌های متفاوت و به دلیل تنوع ساختاری و چالش‌های خاص در تحقق استقلال قضایی، به عنوان نمونه‌های برجسته برای مطالعه در این پژوهش برگزیده شده‌اند. مقاله حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و اتخاذ رویکرد تطبیقی، به بررسی و تحلیل جایگاه، ساختار و چالش‌های مرتبط با استقلال قضایی در این سه کشور می‌پردازد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که در کوزوو، استقلال قضایی با تأکید بر اصول حقوق بشری و در چهارچوب اسناد ملی و بین‌المللی، به ویژه در قانون اساسی و رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر، به طور مؤکد مورد حمایت قرار گرفته است. در ترکیه، با وجود انجام اقدامات قابل توجه برای تقویت استقلال قضایی، موانعی نظیر مداخلات سیاسی و فشارهای اجتماعی همچنان از چالش‌های جدی به شمار می‌روند. در فلسطین، شرایط خاص ناشی از اشغال خارجی و مشکلات داخلی، محدودیت‌های عمده‌ای برای تحقق استقلال قضایی ایجاد کرده است. این تحقیق نشان می‌دهد که در سه کشور بررسی شده، با وجود پیشرفت‌هایی در تقویت استقلال قضایی، هنوز نیاز به اصلاحات اساسی در ساختارهای قانونی، تقویت نظارت بر نهادهای قضایی و مقابله با فشارهای سیاسی و خارجی وجود دارد تا استقلال واقعی قوه قضائیه در این کشورها به طور مؤثر تحقق یابد.

کلیدواژه‌ها: استقلال قضایی، تفکیک قوا، حاکمیت قانون، کشورهای اسلامی، مداخلات سیاسی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۲۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۶/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۰۹

استاد: مهرا، نسرین؛ راسته، مرتضی و قائدی، سعید (۱۴۰۴). مطالعه تطبیقی اصل استقلال قضات دادگاه‌های کیفری و چالش‌های آن در نظام حقوقی کشورهای کوزوو، فلسطین و ترکیه، *آموزه‌های حقوق کیفری کشورهای اسلامی*، ۲ (۴)، ۱۱۵-۱۴۷. <http://www.doi.org/10.22091/dlic.2025.13685.1104>



نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه قم

مقدمه

استقلال قضایی علاوه بر آنکه رکن بنیادین نظام‌های حقوقی مبتنی بر حاکمیت قانون^۱ محسوب می‌شود، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اصول تحقق عدالت و تضمین صدور احکام منصفانه نیز مورد تأکید است. اهمیت این اصل به‌حدی است که برخی صاحب‌نظران، تمامی ابعاد دسترسی به دادرسی منصفانه را در چهارچوب حضور در برابر دادگاهی مستقل و بی‌طرف، تفسیر می‌کنند (پروین، ۱۴۰۳: ۳۳۵). از سوی دیگر، در عرصه فلسفه سیاسی معاصر، استقلال قضایی یکی از پیش‌شرط‌های اساسی برای مشروعیت نظام‌های حکومتی به‌شمار می‌رود؛ چراکه اعتماد عمومی به دستگاه قضایی و نظام حقوقی، مستقیماً تابع احساس مردم نسبت به بی‌طرفی و عدالت‌آمیزی تصمیمات قضایی است. فقدان استقلال قضایی می‌تواند منجر به کاهش اعتماد اجتماعی، تشدید فساد و نقض گسترده حقوق بشر شود و نهایتاً پایه‌های حاکمیت قانون را متزلزل سازد.

در اندیشه اسلامی، استقلال قضایی به‌مثابه یک ضرورت شرعی و بنیادین در راستای تحقق عدالت تلقی می‌شود و نه به‌عنوان امتیازی شخصی برای قاضی؛ به‌گونه‌ای که قاضی موظف است صرفاً بر مبنای شریعت و وجدان دینی عمل کند و از هرگونه تبعیت از اراده‌های سیاسی مصون بماند. شهید ثانی تصریح می‌کند هرگونه تبعیت از قدرت سیاسی موجب فساد حکم می‌شود (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق: ج ۱۴، ۸۰-۸۵). همچنین آیت‌الله گلپایگانی استقلال قاضی را شرط صحت حکم و بقای نظام اسلامی می‌داند؛ زیرا بدون مصونیت از فشارهای سیاسی و مالی، اعتماد مردم به نهاد قضا از بین می‌رود (گلپایگانی، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ۱۲۶-۱۲۲). فقه امامیه میان استقلال شخصی (عدالت و علم و شجاعت قاضی) و استقلال نهادی (مصونیت ساختاری از نفوذ قدرت) قائل به تفکیک است. شیخ طوسی و صاحب‌جواهر تأکید دارند مشروعیت قضا تنها با رعایت توأمان این دو بُعد محقق می‌شود (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق: ج ۳، ۴۵۰-۳۵۰؛ نجفی، ۱۴۰۲ق: ج ۴۰، ۶۴-۶۱). همچنین شیخ انصاری استقلال قاضی را رکن مشروعیت ولایت قضایی دانسته و معتقد است که نفوذ قدرت، اعتماد عمومی و حجیت شرعی حکم را از بین می‌برد (شیخ انصاری، ۱۴۱۵ق: ۲۵۲-۲۴۵). درنتیجه، استقلال قضایی در اسلام نه‌تنها الزام شرعی و اجتماعی، بلکه شرط اعتماد مردم به نظام حقوقی، تحقق عدالت الهی و حفظ کرامت انسانی است.

۱. حاکمیت قانون (Rule of Law) به این معناست که تمامی افراد و نهادها، ازجمله نهادهای حکومتی و مقامات دولت، تنها در حدود صلاحیت‌های تعریف شده در قوانین مصوب مجاز به انجام اقدامات هستند و هیچ‌گونه اقدامی خارج از چهارچوب‌های قانونی، بر اساس اراده شخصی یا سلیقه فردی، پذیرفته نیست. برای مطالعه بیشتر در این خصوص، رجوع کنید به: (جعفری و راعی دهقی، ۱۴۰۱: ۳۴۰۴-۳۴۱۸).

بنابراین این اصل در اندیشه اسلامی ریشه در مبانی دینی، فلسفی و نهادی دارد و هرگونه مداخله در آن، نقض غایت قضاوت به‌عنوان تحقق اراده الهی محسوب می‌شود.

اصل استقلال قضایی نه‌تنها در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و فقه اسلامی به‌عنوان یک اصل حساس و خطیر مورد تأکید قرار گرفته است، بلکه در درون کشورهای مختلف نیز به‌عنوان سنگ‌بنای اعتبار و مشروعیت نهاد قضایی شناخته می‌شود. بنابراین، بررسی جایگاه استقلال دستگاه قضایی در نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف، به‌ویژه کشورهای اسلامی یا در حال توسعه، می‌تواند تصویری شفاف از چالش‌ها و الگوها و سازوکارهای موفق یا ناکارآمد در این زمینه ارائه دهد. بر این اساس، هدف اصلی این پژوهش، بررسی تطبیقی جایگاه استقلال قضایی در سه کشور کوزوو و فلسطین و ترکیه است.^۱ انتخاب این سه کشور بر اساس معیارهایی چندلایه و هدفمند صورت گرفته است که هم تنوع ساختارهای سیاسی و حقوقی و هم تفاوت در مراحل گذار به دموکراسی را پوشش می‌دهد. افزون بر این، هر یک از این کشورها با نوع خاصی از چالش‌ها در تحقق استقلال قضایی مواجه‌اند که مطالعه تطبیقی را غنی‌تر می‌سازد. در این چهارچوب، پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی، به این پرسش اساسی پاسخ خواهد داد که الگوی حقوقی و ساختاری استقلال دستگاه قضایی در این سه کشور چگونه طراحی شده و این ساختارها تا چه حد در تأمین استقلال نهادی و فردی قضات مؤثر بوده‌اند؟ همچنین دستیابی به پاسخ این پرسش که این کشورها در راه تحقق استقلال قضایی با چه چالش‌هایی روبه‌رو هستند، یکی از دغدغه‌های اصلی نویسندگان این مقاله است.

در راستای پاسخ به پرسش پژوهش، با توجه به تفاوت‌های بنیادین در ساختارهای نهادی و مبانی فلسفی استقلال قضایی در کشورهای مورد مطالعه، مقاله به شیوه‌ای طراحی شده است که تحلیل‌ها بر اساس چهار محور اصلی و در بخش‌های مجزا انجام می‌گیرد. این محورها عبارت‌اند از: جایگاه اصل استقلال قضایی در قانون اساسی، ساختار نهادی استقلال قضایی، ضمانت‌های قانونی و نهادی به‌منظور صیانت از استقلال قضات، محدودیت‌ها و عوامل تضعیف استقلال قضایی. در هر یک از این بخش‌ها، وضعیت کوزوو، فلسطین و ترکیه

۱. لازم به ذکر است که در این تحقیق، جایگاه و وضعیت استقلال قضایی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار نگرفته است. دلیل این امر آن است که پیش از این، پژوهش‌های گسترده و جامعی در زمینه ابعاد مختلف استقلال قضایی در ایران انجام شده و این موضوع به‌طور مفصل از جنبه‌های گوناگون مورد تحلیل قرار گرفته است. در این خصوص، رجوع کنید به: (امیری و ویژه، ۱۳۹۳: ۱-۲۶؛ خندانی و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۰۸-۱۹۱؛ میرزاده کوهشاهی و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۴۵-۲۷۴؛ نعمتی و دیگران، ۱۴۰۰: ۳۲۷-۳۴۷؛ فلاح‌نژاد، ۱۴۰۱: ۷۳۷-۷۷۵؛ ستایش‌پور، ۱۴۰۱: ۳۸۳-۳۹۶). بنابراین، به‌منظور جلوگیری از تکرار مطالب و تمرکز بر مطالعه تطبیقی، این مقاله به‌طور اختصاصی به تحلیل جایگاه استقلال دستگاه قضایی و چالش‌های آن در کشورهای منتخب پرداخته است.

مورد بررسی قرار می‌گیرد. این رویکرد ضمن حفظ انسجام منطقی و پیوستگی موضوعی، امکان تحلیل تطبیقی عمیق‌تری را فراهم می‌سازد و ماهیت تطبیقی پژوهش را به‌روشنی برجسته می‌کند. در پایان مقاله نیز، چهار محور کلیدی مزبور در قالب جدولی تطبیقی ارائه خواهد شد تا جمع‌بندی جامع و مقایسه‌ای از نتایج تحقیق فراهم گردد و بدین ترتیب، شباهت‌ها و تفاوت‌های استقلال قضایی در «کوزوو، فلسطین و ترکیه» بر پایه این چهار محور به‌گونه‌ای ارائه شود که در یک نگاه قابل درک باشد.

۱. مفهوم‌شناسی استقلال قضایی

استقلال قضایی مفهومی چندوجهی و بنیادین است که ابعاد نهادی، فردی و درونی را دربر می‌گیرد. فقدان هر یک از این ابعاد می‌تواند استقلال قضات را تضعیف کرده، مشروعیت نظام قضایی را خدشه‌دار سازد و اعتماد عمومی را کاهش دهد. «استقلال نهادی» به دادگاه‌ها به‌عنوان نهادی مستقل در ساختار حکومتی تعلق دارد و مبنای آن در حقوق اساسی مستقر است. این بُعد، دستگاه قضایی را در برابر مداخلات سایر قوا، نهادهای دولتی و افراد حقیقی مصون می‌دارد و مؤلفه‌های آن شامل پیش‌بینی دادگاه‌های مستقل، تفکیک دقیق صلاحیت‌ها میان قوا و ایجاد حمایت قانونی از دادگاه‌ها در برابر مداخلات اجرایی، سیاسی و اقتصادی است تا عملکرد آنان بی‌طرفانه، منصفانه و مشروع باشد.

«استقلال فردی» به جایگاه حرفه‌ای و تصمیم‌گیری قضات مرتبط است و در دو سطح ماهوی و شغلی بررسی می‌شود. استقلال ماهوی بر آزادی قضات در رسیدگی به پرونده‌ها، ارزیابی ادله و صدور رأی بر اساس اصول بی‌طرفی، پرهیز از تعارض منافع، عدم وابستگی سیاسی و حفظ محرمانگی تأکید دارد (شاملو و محمدی، ۱۳۹۰: ۱۱۸)؛ درحالی‌که استقلال شغلی شامل مجموعه‌ای از سازوکارها و حمایت‌های قانونی است که امنیت شغلی قضات را حفظ کرده و زمینه ارتقای حرفه‌ای، تعیین مدت و محل خدمت، رفاه و حفاظت آنان و تداوم فعالیت بدون تهدید یا مداخله غیرقانونی را فراهم می‌آورد (خندانی و عامری نیا، ۱۳۹۷: ۱۹۲). «استقلال درونی یا درون‌سازمانی» به توانایی قضات در اتخاذ تصمیمات مستقل از نفوذ، فشار یا جهت‌دهی همکاران، مدیران و مقامات بالادستی اشاره دارد. مؤلفه‌های این بُعد شامل آزادی در تصمیم‌گیری، اختیار در تنظیم فرآیند رسیدگی، مدیریت امور اداری پرونده‌ها و قدرت اتخاذ تصمیم نهایی است، به‌گونه‌ای که قضاوت نه تنها از مداخلات خارجی بلکه از فشارهای درون‌سازمانی نیز مصون باشد و تصمیمات قضات کاملاً مبتنی بر اصول حقوقی، عدالت کیفری و بی‌طرفی اتخاذ گردد.

با وجود شفاف بودن و ترسیم دقیق این ابعاد، در میان نویسندگان حقوق معاصر تعریفی واحد از استقلال قضایی ارائه نشده است (حبیب‌زاده و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۵؛ عزیزی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۲۲؛ امیری و ویژه، ۱۳۹۳: ۳). در اسناد بین‌المللی حقوق بشر^۱ نیز تعریفی صریح از استقلال قضایی مشاهده نمی‌شود و همان‌طور که برخی نویسندگان اشاره کرده‌اند: «استقلال قضایی در این اسناد بیش از آنکه تعریف شود، مورد استناد قرار گرفته است» (Shetreet and Chodosh, 2024: 311). این موضوع نشان می‌دهد که در حوزه حقوق بین‌الملل، استقلال قضایی عمدتاً به‌عنوان یک اصل راهبردی و الزامی برای تضمین عدالت، بی‌طرفی و مشروعیت دادگاه‌ها مورد تأکید قرار گرفته است، بدون آنکه معیارهای حقوقی دقیق یا سازوکارهای نهادی و عملیاتی مشخصی برای تحقق آن تعیین شده باشد. در عمل، مسئولیت تأمین این اصل بر عهده دولت‌هاست و هر کشور موظف است ضمن تدوین قوانین و ایجاد سازوکارهای نهادی مناسب، تدابیر لازم را برای تضمین استقلال قضات و دادگاه‌ها اتخاذ کند؛ به‌گونه‌ای که توانایی آن‌ها برای تصمیم‌گیری مستقل از هرگونه نفوذ و فشار سیاسی و اقتصادی و اجتماعی تضمین شود. با این حال، با توجه به تضمین‌هایی که برای استقلال پیش‌بینی شده و یا موانعی که برای آن برشمرده شده است، چنین بیان شده که از دیدگاه نظام بین‌المللی حقوق بشر، هرگاه قدرت‌هایی در پی نفوذ بر دادگاه‌ها یا قضات باشند و رأی و تصمیم آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهند و دادگاه‌ها و قضات فاقد ابزار و تضمین‌های لازم برای مقابله با این نفوذها باشند، استقلال قضایی نقض خواهد شد (فضائلی، ۱۳۹۷: ۱۸۰).

بر این اساس، از نظر نگارندگان، می‌توان استقلال قضایی را به‌صورت جامع این‌گونه تعریف کرد: «استقلال قضایی مجموعه‌ای از شرایط حقوقی، نهادی و فردی است که تضمین می‌کند دستگاه قضایی و قضات بتوانند وظایف و مسئولیت‌های خود را به‌طور کامل و بدون هیچ‌گونه مداخله، نفوذ یا فشار مستقیم یا غیرمستقیم از سوی سایر قوا، نهادها، یا افراد حقیقی و حقوقی انجام دهند. این استقلال شامل آزادی قضات در اتخاذ تصمیمات قضایی بر اساس قانون، اصول حقوقی، عدالت کیفری، بی‌طرفی و وجدان قضایی، مصونیت از نفوذهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، برخورداری از امنیت شغلی، رفاه و حمایت قانونی و همچنین توانایی دادگاه‌ها و قضات در عملکرد مستقل نهادی است».

۱. ماده ۱۰ «اعلامیه جهانی حقوق بشر»؛ بند ۱ ماده ۱۴ «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»؛ بند ۱ ماده ۶ «کنوانسیون اروپایی حقوق بشر»؛ بند ۱ ماده ۸ و بند ۲ ماده ۲۷ «کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر»؛ بند ۱ ماده ۷ و ماده ۲۶ «منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم»؛ ماده ۱۲ و ۱۳ «منشور عربی حقوق بشر»؛ بند ۷ ماده ۶۴ و بند ۱ ماده ۶۷ «اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی».

۲. جایگاه اصل استقلال قضایی در قانون اساسی کوزوو، فلسطین و ترکیه

قانون اساسی به‌عنوان مهم‌ترین سند حقوقی هر کشور، مبنای تضمین استقلال قضایی و تحقق دادرسی منصفانه و بی‌طرفانه است. این سند بنیادین، با تصریح به حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان، نقش محوری در تثبیت چهارچوب‌های قانونی و نهادی استقلال قوه قضائیه ایفا می‌کند. در این بخش با رویکردی تطبیقی، تأکیدات مرتبط با استقلال قضایی در متون قانون اساسی سه کشور کوزوو، فلسطین و ترکیه مورد بررسی قرار می‌گیرد تا اهمیت کلیدی این اصول در تضمین حاکمیت قانون و حقوق بشر روشن شود.

۱-۲. استقلال قضایی و قانون اساسی کوزوو

در جمهوری کوزوو، اصل استقلال قوه قضائیه به‌عنوان یکی از ارکان بنیادین نظام حقوقی، در متن قانون اساسی به‌طور صریح تأکید و تضمین شده است. قانون اساسی این کشور، ضمن به رسمیت شناختن حق بر دادرسی منصفانه از طریق دادگاه‌های مستقل و بی‌طرف، با پذیرش بالاترین استانداردهای حقوق بشری و وارد کردن کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۱ به نظام حقوقی داخلی، نهادهای دولتی را مکلف ساخته است که حقوق بنیادین را در پرتو رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر^۲ تفسیر نمایند. دادگاه قانون اساسی کوزوو نیز در آرای خود، استقلال قضایی و حق بر محاکمه منصفانه را در چهارچوب اصول مندرج در کنوانسیون یادشده تبیین کرده است. این مرجع، به‌ویژه در مواجهه با مداخلات قوه مجریه و مقننه، نقش مؤثری در تقویت جایگاه نهاد قضایی ایفا کرده و آن را به تضمین عدالت و حاکمیت قانون مبدل ساخته است.

مطابق ماده ۱۰۲ قانون اساسی جمهوری کوزوو، قدرت قضایی از طریق دادگاه‌هایی اعمال می‌شود که «واحد، مستقل، بی‌طرف و تضمین‌کننده دسترسی برابر برای تمامی شهروندان» هستند. بر اساس این ماده، دادگاه‌ها باید بر مبنای قانون اساسی و قوانین موضوعه تصمیم‌گیری کنند و قضات در انجام وظایف خود از استقلال و بی‌طرفی برخوردارند (Constitution of the Republic of Kosovo, 2008: Article.102). همچنین، اصل دادرسی منصفانه در قانون اساسی تضمین می‌کند که «هر شخصی حق دارد در خصوص تعیین حقوق و تعهدات خود یا رسیدگی به اتهام کیفری، در مدت‌زمانی معقول، توسط دادگاهی مستقل و بی‌طرف که بر اساس قانون

1. European Convention on Human Rights (1950)

2. European Court of Human Rights (ECtHR)

تشکیل شده و با رعایت اصول علنی بودن، عدالت و بی‌طرفی عمل می‌کند، مورد محاکمه قرار گیرد» (Constitution of the Republic of Kosovo, 2008: Article.31).

نظام حقوقی جمهوری کوزوو، بر اساس اصول بنیادین مندرج در قانون اساسی و سایر مقررات داخلی، به‌صورت نظام‌مند و صریح متعهد به رعایت موازین بین‌المللی حقوق بشر است. این تعهد به‌ویژه در قبال استانداردهای مقرر در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر نمود یافته است. ماده ۲۲ قانون اساسی کوزوو با عنوان «امکان اجرای مستقیم معاهدات و اسناد بین‌المللی»، جایگاه حقوقی برتری به اسناد بین‌المللی حقوق بشر از جمله «کنوانسیون اروپایی حقوق بشر»، «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»^۱، «اعلامیه جهانی حقوق بشر»^۲ و «اصول بنیادین سازمان ملل متحد درباره استقلال قوه قضائیه»^۳ داده و شرایط اعمال مستقیم مقررات آن‌ها را در نظام حقوقی داخلی فراهم کرده است. علاوه بر این، ماده ۵۳ قانون اساسی مقرر می‌دارد که کلیه نهادهای دولتی، به‌ویژه مراجع قضایی، در تفسیر و اجرای مقررات مرتبط با حقوق بشر، موظف به تبعیت از رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر هستند. بر این اساس، تفسیرهای ارائه شده توسط این دیوان نه تنها جنبه ارشادی دارند، بلکه از نظر حقوقی نیز الزام‌آور به شمار می‌آیند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که نظام حقوقی جمهوری کوزوو در سنجش و ارزیابی استقلال قضایی، به‌طور چشمگیری از شاخص‌ها و معیارهایی بهره می‌برد که در رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر شناسایی و تبیین شده‌اند.

۲-۲. استقلال قضایی و قانون اساسی فلسطین

نظام قضایی فلسطین در پرتو تحولات تاریخی و تحت تأثیر حاکمیت‌های غیرملی، مسیر تدریجی را برای دستیابی به ساختاری با گرایش به استقلال قضایی پیموده است. مرحله تعیین‌کننده در این روند، تأسیس حکومت خودگردان فلسطین به رهبری سازمان آزادی‌بخش فلسطین است که با ایجاد چهارچوب‌های نهادی و قانونی، زمینه لازم برای شکل‌گیری و تثبیت نسبی جایگاه قوه قضائیه فراهم گردید (الریس، ۱۴۲۳ق: ۳۳). تصویب قانون اساسی موقت فلسطین،^۴ نقطه عطفی در تقویت استقلال قضایی محسوب می‌شود. در فصل ششم این قانون که

1. International Covenant on Civil and Political Rights (1966)

2. Universal Declaration of Human Rights (1948)

3. Basic Principles on the Independence of the Judiciary (1985)

۴. قانون اساسی موقت فلسطین، نخستین بار در سال ۲۰۰۲ تصویب و در سال ۲۰۰۳ اجرایی و سپس در ۲۰۰۵ اصلاح شد. اصطلاح «قانون اساسی موقت» (Basic Law) به این دلیل به‌کار می‌رود که مطابق ماده ۱۱۵ این سند، تدوین و تصویب قانون اساسی دائمی فلسطین منوط به تحقق شرایط خاصی است؛ بدین معنا که تا زمان تشکیل دولت مستقل فلسطینی و برگزاری همه‌پرسی قانونی، این سند نقش قانون اساسی موقت را

به سازماندهی قوه قضائیه اختصاص یافته است، مواد ۹۷ و ۹۸ و ۱۰۰ به صراحت اصل استقلال نهاد قضایی و سازوکارهای نهادی و قانونی تحقق آن را پیش‌بینی کرده‌اند. ماده ۹۷ تصریح دارد که قوه قضائیه مستقل است و هیچ مرجعی جز قانون بر آن تسلط نداشته و هیچ فرد یا نهادی حق دخالت در امور قضایی یا تصمیمات قضات را ندارد. ماده ۹۸ بر استقلال فردی قضات تأکید کرده و مقرر می‌دارد که قضات در مقام قضاوت تنها تابع قانون هستند و دولت مکلف است با وضع مقررات روشن در خصوص انتصاب، جابه‌جایی، ارتقاء، انضباط و عزل قضات، شرایط لازم برای تضمین استقلال آنان را فراهم آورد. ماده ۱۰۰ تشکیل شورای عالی قضایی را پیش‌بینی کرده که مسئول اداره امور قوه قضائیه و تضمین استقلال آن است. این مقررات ضمن تضمین استقلال سازمانی قوه قضائیه از سایر قوا، با تأکید بر استقلال فردی قضات، مانع نفوذ نهادهای سیاسی در فرآیند دادرسی می‌شود. به این ترتیب، قانون اساسی فلسطین الگوی دو سطحی استقلال قضایی را ارائه می‌دهد: استقلال نهادی و استقلال شخصی (مؤسسه الجمعیه الفلسطینیة لحمايه حقوق الإنسان والبیئه، ۱۴۲۰ق: ۶۷).

با وجود تمام موانع و چالش‌هایی که در راه تحقق کامل استقلال قضایی در فلسطین وجود دارد، قانون اساسی موقت فلسطین آغازگر تحولی اساسی در تاریخ حقوقی فلسطین محسوب شده و برای نخستین بار اصل استقلال قضایی را به صورت صریح در متن قانون اساسی درج کرده و زمینه‌ساز اصلاحات آینده شده است. شورای عالی قضایی و نهادهای جامعه مدنی نیز با استناد به این اصول، تلاش کرده‌اند تا ضمن جلوگیری از مداخلات سیاسی در امور قضایی، ظرفیت‌های نهادی لازم برای تقویت استقلال دستگاه قضایی را توسعه دهند. به طور کلی، قانون اساسی موقت فلسطین تصویری ایدئال از استقلال قضایی ترسیم کرده است، اما تحقق کامل آن نیازمند اراده سیاسی، اصلاحات قانونی و پایان شرایط استثنایی ناشی از اشغال و شکاف نهادی است.

۳-۲. استقلال قضایی و قانون اساسی ترکیه

در نظام حقوقی ترکیه، اصل استقلال قضایی یکی از ستون‌های اساسی حاکمیت قانون به شمار می‌آید و به صورت شفاف در قانون اساسی سال ۱۹۸۲ تضمین شده است. این اصل نه تنها در بخش‌های مرتبط با سازمان قوه قضائیه، بلکه در حوزه حقوق بنیادین نیز مورد تأکید قرار گرفته و با اصلاحات مهم قانون اساسی در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۱۷، جایگاه آن تقویت شده است. قانون اساسی ترکیه چند ماده کلیدی دارد که حق برخورداری از دادگاه‌های مستقل و بی‌طرف را به صراحت تضمین می‌کنند؛ برای نمونه ماده ۹ قانون اساسی، در بخش «قدرت قضایی»،

اعلام می‌دارد که «قدرت قضایی به نمایندگی از ملت ترکیه توسط دادگاه‌های مستقل و بی‌طرف اعمال می‌گردد» (Republic of Turkey, 2001: Article.9). اگرچه ماده ۳۶ قانون اساسی ترکیه^۱ به‌طور مستقیم از استقلال قضایی سخن نمی‌گوید، اما دادگاه قانون اساسی این کشور در تفسیر این ماده، تأکید فراوانی بر مفاد بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر داشته و آن را جزئی از حق محاکمه منصفانه محسوب کرده است. در رأی دادگاه قانون اساسی در پرونده گولر آرگون^۲ و دیگران آمده است که «اصول و حقوق فرعی مندرج در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و احکام دیوان اروپایی حقوق بشر که بیانگر حق محاکمه منصفانه‌اند، اصولاً بخشی از حق مندرج در ماده ۳۶ قانون اساسی ترکیه هستند» (Constitutional Court of Turkey, 2013: Para.38). همچنین در تصمیمات متعددی که بر اساس ماده ۳۶ اتخاذ شده، به اصول و حقوقی اشاره شده که یا به صراحت در کنوانسیون اروپایی وجود دارند؛ مانند رأی صادره در پرونده دادگاه خانواده آنکارا (Constitutional Court of Turkey, 2012/A)، یا از طریق رویه دیوان اروپایی حقوق بشر در قالب حق محاکمه منصفانه تفسیر شده‌اند، نظیر رأی مربوط به پرونده تطابق قوانین (Constitutional Court of Turkey, 2012/B).

علاوه بر این، مواد متعددی در قانون اساسی ترکیه بر استقلال قضات و قوه قضائیه تأکید دارند. ماده ۱۳۸، استقلال قضات در انجام وظایف و صدور آرای قضایی را تضمین می‌کند و هرگونه مداخله در امور قضایی را ممنوع می‌سازد. ماده ۱۳۹، به امنیت شغلی قضات و دادستان‌ها پرداخته و از عزل غیرقانونی و فشارهای اداری بر آنان جلوگیری می‌کند. ماده ۱۴۰، قانون‌گذاری را در زمینه ضوابط مربوط به ارتقاء، تنبیه و تعقیب قضات، به‌منظور حفظ استقلال آنان ضروری می‌داند. همچنین ماده ۱۴۲، تأسیس دادگاه‌ها را منوط به رعایت قوانین می‌داند و در ترکیب با ماده ۳۷ که حق محاکمه در دادگاه صالح را تضمین می‌کند، زمینه نظارت بر مشروعیت تأسیس و صلاحیت دادگاه‌ها را فراهم می‌آورد. نهایتاً ماده ۱۵۹، شورای قضات و دادستان‌ها را به‌عنوان نهاد مرکزی قوه قضائیه معرفی می‌کند و بر فعالیت آن بر اساس اصل استقلال قضایی تأکید دارد. ترکیب و وظایف این شورا به‌گونه‌ای تنظیم شده است که شامل امور انتصاب، ارتقاء، انتقال، تعلیق و نظارت بر قضات است و به‌طور ویژه نقش مهمی در حفظ و تضمین استقلال قوه قضائیه ایفا می‌کند.

۱. «هر فردی حق دارد به‌عنوان خواهان یا خوانده اقامه دعوی کند و از طریق روش‌ها و فرآیندهای قانونی، از حق دادرسی منصفانه در دادگاه‌ها برخوردار باشد. هیچ دادگاهی نمی‌تواند از رسیدگی به پرونده‌ای که در صلاحیت آن است، خودداری کند.»

2. Güler Ergun

۳. ساختار نهادی استقلال قضایی در کوزوو، فلسطین و ترکیه

نهادهای قضایی از ارکان اساسی تضمین استقلال قضات به شمار می‌روند. نحوه سازماندهی این نهادها، فرآیند انتصاب قضات و درجه استقلال آن‌ها نقش تعیین کننده‌ای در حفظ استقلال قضایی دارد. این بخش به بررسی تطبیقی ساختارهای قضایی کوزوو، فلسطین و ترکیه می‌پردازد تا ضمن تحلیل چهارچوب‌ها و سازوکارهای مرتبط با استقلال دستگاه قضایی در هر کشور، میزان انطباق آن‌ها با استانداردهای بین‌المللی را ارزیابی نماید.

۳-۱. ساختار استقلال قضایی در کوزوو

بر اساس تفسیر دیوان اروپایی حقوق بشر از بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی، برای شناسایی یک نهاد قضایی به‌عنوان «دادگاه مستقل» احراز چند شاخص اساسی ضروری است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها «نحوه انتصاب قضات» است (ECtHR, 2003: Para.190). با توجه به تأثیرپذیری دادگاه قانون اساسی کوزوو از رویه دیوان اروپایی حقوق بشر، بررسی ساختار نهادی استقلال قضایی در این کشور مستلزم تحلیل دیدگاه‌های دیوان در خصوص شاخص‌های استقلال و سپس ارزیابی میزان انطباق رویه دادگاه قانون اساسی کوزوو با این معیارهاست. دیوان اروپایی حقوق بشر در رویه قضایی خود تصریح کرده است که انتصاب قضات توسط مقامات اجرایی به‌تنهایی ناقض استقلال قضایی نیست؛ بلکه معیار اصلی، میزان استقلال عملی قضات در انجام وظایف و توان مقاومت آنان در برابر نفوذهای بیرونی است (ECtHR, 2010/B: Para.49).^۱ به‌عنوان نمونه، در پرونده‌های کامبل و فل^۲ علیه انگلستان و موئیسی‌یف^۳ علیه روسیه، دیوان تأکید کرده که استقلال قضایی زمانی مخدوش می‌شود که قضات در فرآیند رسیدگی فاقد بی‌طرفی و استقلال باشند، حتی اگر انتصاب آن‌ها توسط مقامات اجرایی انجام شده باشد (ECtHR, 1984: Para.23; ECtHR, 2008/B: Para.167). همچنین، دیوان هشدار داد که امکان مداخله قوه مجریه در تصمیمات قضایی تهدیدی جدی برای استقلال دادگاه‌ها محسوب می‌شود (ECtHR, 1994: Paras.45-55). بااین‌حال، در یک تفسیر واقع‌گرایانه، دیوان تصریح کرده است که

1. Also See: (OSCE/ODIHR, 2012: 59).

2. Campbell and Fell

3. Moiseyev

انتصاب قضات توسط دولت یا تأمین مالی دادگاه‌ها از منابع دولتی، در صورت وجود تضمین‌های قانونی کافی، لزوماً ناقض استقلال قضایی نیست (Vitkauskas and Dikov, 2017: 48). دادگاه قانون اساسی کوزوو نیز در این زمینه رویکردی هماهنگ با دیوان اروپایی حقوق بشر دارد. این دادگاه تأکید کرده است که استقلال نهاد قضایی زمانی تضمین می‌شود که قوه مجریه از دخالت در فرآیندهای انتصاب، عزل یا تصمیم‌گیری‌های ساختاری خودداری کند. در تحلیل محتوایی و لحن و استدلال‌های این دادگاه شباهت قابل توجهی به ادبیات دیوان اروپایی حقوق بشر دارد. در همین راستا، در پرونده KO203/19، دادگاه قانون اساسی کوزوو اعلام کرد که اعطای صلاحیت به دولت برای تنظیم مقررات مربوط به استخدام و عزل قضات در «قانون کارمندان عمومی» مغایر اصل استقلال قضایی است. این دادگاه تصریح نمود که نهادهای قضایی باید از صلاحیت خودتنظیمی برخوردار باشند و در این حوزه وابسته به دولت نباشند (Constitutional Court of Kosovo, 2020: Paras.105-112; 153-164).

۳-۲. ساختار استقلال قضایی در فلسطین

نظام قضایی فلسطین برای تضمین استقلال قضات و نهادهای قضایی، ساختار و نهادهای مشخص و کارآمدی را پیش‌بینی کرده است که به شکلی نظام‌مند اداره امور قضایی را از دخالت قوا و نهادهای دیگر مصون می‌دارد. مهم‌ترین نهاد در این ساختار، «شورای عالی قضایی» است که مطابق با قانون اساسی موقت ۲۰۰۳ و قانون تشکیلات قضایی ۲۰۰۲ و قانون تشکیل محاکم عادی ۲۰۰۱، با وظایف گسترده‌ای از جمله نظارت بر امور اداری و مالی، استخدام قضات، نمایندگی قضات در برابر دیگر نهادهای حکومتی و تصمیم‌گیری درباره سیاست‌ها و استانداردهای قضایی، نقش کلیدی در حفاظت از استقلال قضات ایفا می‌کند (Hamad and Others, 2020: 27-33). این شورا ساختاری تخصصی و مستقل دارد که به دور از دخالت‌های سیاسی، مسئولیت تعیین خط‌مشی‌ها، نظارت بر اجرای بودجه اختصاص‌یافته به قوه قضائیه و رسیدگی به شکایات مربوط به عملکرد قضات را بر عهده دارد. چنین ترکیبی از مدیریت در چهارچوب نهادی، ضامن حفاظت قوه قضائیه در برابر نفوذهای بیرونی است. از جمله مهم‌ترین نقش‌های این شورا، فرآیند انتصاب قضات است که طبق قانون، باید با پیشنهاد شورای عالی قضایی و تصویب رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین انجام شود. این دو مرحله‌ای بودن فرآیند، ضمن حفظ تعادل میان اقتدار اجرایی و استقلال قضایی، امکان نفوذ سیاسی و اجرایی را در انتصابات قضات به حداقل می‌رساند (Judicial Authority Law No.1, 2002: Article.18).

علاوه بر این، تفکیک کامل امور اداری قوه قضائیه از قوه مجریه نیز از ارکان مهم ساختاری استقلال قضایی در فلسطین است. تمامی امور مربوط به عزل، انتقال، ارتقاء و رسیدگی به تخلفات قضات باید در چهارچوب سازمانی قوه قضائیه و به وسیله نهادهای مستقل درون این قوه انجام شود و نقش قوه مجریه در این زمینه صرفاً محدود به تأییدهای شکلی باشد (Ayyad, 2010: 82). از سوی دیگر، استقلال مالی دستگاه قضایی یکی دیگر از شاخصه‌های حیاتی برای حفظ استقلال قضات به شمار می‌رود. نظام بودجه‌بندی قوه قضائیه به گونه‌ای است که این قوه بودجه مستقل خود را از طریق شورای عالی قضایی تهیه و پس از بررسی به وزارت دادگستری ارائه می‌دهد. این مکانیزم بودجه‌ای مستقل، امکان تأمین منابع لازم برای عملکرد قوه قضائیه را بدون وابستگی مستقیم به قوه مجریه فراهم می‌آورد و از احتمال اعمال فشار مالی بر قضات جلوگیری می‌کند (Al-Sayed, 1997: 110).

۳-۳. ساختار استقلال قضایی در ترکیه

اصلاحات قانون اساسی ترکیه در سال ۲۰۱۷، گام مهمی در جهت تقویت استقلال قضایی برداشت و ساختار «شورای قضات و دادستان‌ها» را بازتعریف کرد. تغییر عنوان این نهاد از «شورای عالی قضات و دادستان‌ها» به «شورای قضات و دادستان‌ها» و انتقال اختیار انتصاب اعضا به پارلمان، اقدامی بود که با هدف افزایش مشروعیت دموکراتیک این شورا صورت گرفت. با این حال، این تغییرات از سوی نهادهای بین‌المللی، به ویژه شورای اروپا، مورد نقد قرار گرفت. در بند ۲۷ توصیه‌نامه ۱۲ (CM/Rec(2010)12 شورای اروپا، به صراحت بر ضرورت انتخاب حداقل نیمی از اعضای شورا توسط قضات منتخب هم‌تایان خود تأکید شده و همچنین در بندهای ۲۸ و ۲۹ نیز شفافیت عملکرد شوراها و حفظ استقلال فردی قضات به عنوان اصول اساسی تلقی شده است (Committee of Ministers Council of Europe, 2010). عدم تطابق ترکیب فعلی شورا با این معیارها موجب شده است که «گروه کشورهای علیه فساد»^۱ در گزارش ۲۰۲۲ خود، این ساختار را مغایر با استانداردهای بین‌المللی ارزیابی کند (GRECO, 2022: Para.39).

در عرصه قضایی، دادگاه قانون اساسی ترکیه به اهمیت حفظ استقلال ساختاری نهاد قضایی توجه ویژه دارد. در حکم تاریخی خود در تاریخ ۴ مه ۲۰۲۳، دادگاه اعلام کرد که فرمان ریاست جمهوری مبنی بر تخصیص سمت‌های جدید در شورای قضات و دادستان‌ها خارج از صلاحیت قوه مجریه بوده و مغایر اصول قانون اساسی

1. Group of States Against Corruption (GRECO).

است (Constitutional Court of Turkey, 2023). این حکم، نشان‌دهنده حساسیت بالای دادگاه قانون اساسی نسبت به مداخلات احتمالی قوه مجریه در امور قضایی و تأکید بر حفظ استقلال این نهاد است. در این راستا، ماده ۱۵۹ قانون اساسی ترکیه که در فصل سوم از بخش سوم تحت عنوان «قوه قضائیه» گنجانده شده است، تصریح می‌کند که شورای قضات و دادستان‌ها باید «بر اساس اصول استقلال دادگاه‌ها و تأمین امنیت شغلی قضات» تأسیس و وظایف خود را انجام دهند. اگرچه شورا به‌عنوان یک نهاد اداری شناخته می‌شود، اما هیچ‌گونه رابطه سلسله‌مراتبی میان آن و قوه مجریه یا ساختار اجرایی دولت وجود ندارد. دادگاه قانون اساسی در تفسیر خود به جایگاه شورا در ساختار قانون اساسی اشاره کرده و تصریح نموده است که شورای قضات و دادستان‌ها در فصل مربوط به قوه قضائیه قرار دارد و نه در فصل مربوط به قوه مجریه. علاوه بر این، ماده ۱۵۹ قانون اساسی به‌طور خاص بر الزام تأسیس شورا بر اساس اصول استقلال قضایی و تأمین امنیت شغلی قضات تأکید دارد.

این تأکید، به‌طور ضمنی، شامل سازماندهی شورا و تعیین سمت‌های آن می‌شود. بنابراین، هرگونه مقرراتی در خصوص ایجاد سمت‌های قضایی در شورای قضات و دادستان‌ها باید با اصول استقلال دادگاه‌ها و تضمین امنیت شغلی قضات هم‌راستا باشد و در حوزه صلاحیت مقنن یا نهادهای قضایی قرار گیرد، نه در صلاحیت قوه مجریه، به‌ویژه رئیس‌جمهور. در این راستا، وقتی مقررات و اصول قانون اساسی مرتبط با تأسیس، وظایف و اختیارات شورای قضات و دادستان‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد، باید توجه داشت که اعضای قوه قضائیه که در این شورا فعالیت می‌کنند، مقامات عمومی‌ای هستند که صلاحیت قضایی را اعمال می‌نمایند. ایجاد یا حذف سمت‌ها برای چنین مقامی به‌صورت مستقیم می‌تواند بر اقتدار قضایی اثر بگذارد. ازاین‌رو، مقررات مربوط به ایجاد سمت‌های بازرسان و قضات در شورای قضات و دادستان‌ها که ماهیت اجرایی در قوه قضائیه دارند، با بند ۱۷ ماده ۱۰۴ قانون اساسی در تعارض قرار می‌گیرند. در نتیجه، دادگاه قانون اساسی ترکیه در قضیه جان آتالای^۱، ضمن اعلام مغایرت مقررات مذکور با قانون اساسی، حکم به لغو آن‌ها صادر نمود. طبق این رأی، لغو مقررات از تاریخ نه ماه پس از انتشار رسمی تصمیم در روزنامه رسمی کشور، لازم‌الاجرا خواهد بود (Constitutional Court of Turkey, 2023).

در حوزه دادگاه‌های نظامی، پیش از لغو آن‌ها در سال ۲۰۱۷، ترکیب هیئت قضایی شامل دو قاضی نظامی و یک افسر بود که حضور افسران، به دلیل وابستگی به ساختار نظامی و نظارت سلسله‌مراتبی، به‌عنوان مانعی جدی

1. Can Atalay

برای استقلال و بی‌طرفی تلقی می‌شد. دیوان عالی کشور ترکیه در ۷ مه ۲۰۰۹ در حکمی این ترکیب را ناقض تضمین‌های استقلال قضایی اعلام کرد (Court of Cassation of Turkey, 2009). این تغییرات همچنین در تطابق با رویه دیوان اروپایی حقوق بشر بود که در پرونده ابراهیم گورکان^۱ به نقش منفی حضور افسران نظامی در دادگاه‌های نظامی اشاره کرده و نقض ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را تصریح نمود (ECtHR, 2012: Para.19). از سوی دیگر، دیوان عالی کشور در سال ۲۰۱۶ با استناد به رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر، درباره دیوان عالی اداری نظامی اظهار داشت که این نهاد، برخلاف دادگاه‌های نظامی پیشین، به دلیل بهره‌مندی از تضمین‌های لازم استقلال قضایی، فعالیت خود را بدون مداخله اجرایی انجام می‌دهد (Court of Cassation of Turkey, 2016: Para.25). با وجود این، دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده تانیشما^۲ علیه ترکیه، به دلیل وابستگی نهادی افسران به ساختار نظامی و دخالت مراجع سلسله‌مراتبی در انتصاب و ارتقای آنان، چنین نهادی را فاقد استقلال و بی‌طرفی قضایی به موجب ماده ۶ بند ۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ارزیابی نمود. هرچند قاضی مخالف در این پرونده، دیدگاه دیوان عالی کشور را تأیید کرد و وجود تضمین‌های قانونی استقلال را کافی دانست (ECtHR, 2015: Para.83). در پرونده ایلهان جیهنر^۳ نیز که در قالب درخواست فردی به دیوان عالی کشور ارجاع شد، ادعا گردید شورای عالی قضات و دادستان‌ها که پس از اصلاحات ۲۰۱۰ بازسازی نهادی شده، فاقد استقلال و بی‌طرفی است. دیوان در سال ۲۰۱۵ این ادعا را انتزاعی و غیرمبتنی بر دلایل مشخص دانست و با بیان عدم ارتباط میان ساختار شورا و رسیدگی دادگاه بدوی با دیوان، شکایت را مردود اعلام کرد (Court of Cassation of Turkey, 2015: Para.36). با این حال، در پرونده‌هایی که علیه دولت ترکیه در دیوان اروپایی حقوق بشر مطرح شد، این مرجع به این نتیجه رسید که مقامات ذی‌صلاح شورای عالی قضات و دادستان‌ها که درخواست‌های افراد مربوطه را مورد بررسی قرار دادند، از استقلال لازم برخوردار نبوده‌اند.^۴

در مجموع باید گفت اگرچه اصلاحات حقوقی در ترکیه با هدف ارتقای استقلال قضایی انجام شد، اما ساختار شورای قضات و دادستان‌ها همچنان محل مناقشه است. انتقادات نهادهای بین‌المللی نشان می‌دهد که این نهاد

1. İbrahim Gürkan

2. Tanışma

3. İlhan Cihaner

4. See: (ECtHR, 2008/A: Para.121; ECtHR, 2010/A: Paras.84-85; ECtHR, 2022).

نتوانسته استقلال لازم را از مداخلات اجرایی حفظ کند. آرای دیوان اروپایی حقوق بشر نیز مؤید تداوم چالش‌ها در تحقق معیارهای دموکراتیک در نظام قضایی ترکیه است.

۴. ضمانت‌های قانونی و نهادی به‌منظور صیانت از استقلال قضات در کوزوو، فلسطین و ترکیه

پایه و اساس صیانت از استقلال قضات، بر ضمانت‌های قانونی و نهادی استوار است که در تأمین امنیت شغلی، شفافیت و مسئولیت‌پذیری قضات نقش محوری ایفا می‌نمایند. این تضمین‌ها با استقرار نظام‌های انضباطی مستقل و وضع مقررات دقیق، از هرگونه مداخله سیاسی و اجرایی جلوگیری به عمل می‌آورند. در این بخش، نحوه تحقق و اجرای این ضمانت‌ها در نظام‌های قضایی کوزوو، فلسطین و ترکیه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و ابعاد مختلف حمایت و صیانت از استقلال قضات به‌طور جامع روشن می‌گردد.

۴-۱. سازوکارهای صیانت از استقلال قضات در کوزوو

یکی از ارکان بنیادین در تضمین استقلال قضات در کوزوو، برخورداری آنان از امنیت شغلی در طول دوران تصدی است؛ به‌گونه‌ای که بتوانند بدون نگرانی از برکناری یا تزلزل موقعیت شغلی، تصمیماتی مستقل و مبتنی بر اصول حقوقی اتخاذ کنند. در این راستا، اصل «تغییرناپذیری ترکیب دادگاه»^۱ به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ضمانت‌های نهادی برای حمایت از استقلال قضایی شناخته می‌شود. دیوان اروپایی حقوق بشر در یک از آرای خود، تغییر مکرر قضات (یازده بار) بدون ارائه دلایل مشخص را ناقض استقلال و بی‌طرفی دادگاه دانسته است (ECtHR, 2008/B: Paras. 184-185). بااین‌حال، دیوان تصریح کرده است که در صورت وجود دلایل قانونی و موجه، جابه‌جایی قضات الزاماً ناقض این اصل نخواهد بود (ECtHR, 1984: Para. 80). مدت تصدی قضات نیز از شاخص‌های مهم در ارزیابی استقلال آنان به‌شمار می‌رود. هرچند دیوان از تعیین دوره مشخص خودداری کرده، اما تصدی طولانی‌مدت را عاملی مثبت در تقویت استقلال قضات دانسته است (OSCE/ODIHR, 2012: 60). به‌طورکلی، امنیت شغلی شامل جنبه‌هایی همچون نظام ارتقاء، حقوق و مزایا، بازنشستگی و فرایندهای شفاف و قانونی برای تعلیق یا برکناری است. کمیته حقوق بشر سازمان ملل نیز تأکید کرده است که برکناری زودهنگام تنها زمانی مشروعیت دارد که مبتنی بر احراز سوءرفتار یا بی‌کفایتی باشد و در چهارچوب روندی منصفانه و قانونی صورت گیرد (Human Rights Committee, 2007: Para. 20).

1. Irremovability of the Court Composition.

در این حوزه، دادگاه قانون اساسی کوزوو رویکردی همسو با دیوان اروپایی حقوق بشر اتخاذ کرده است. هرچند دیوان تمرکز بیشتری بر استقلال فردی قضات دارد، تأکید دادگاه کوزوو بر استقلال نهادی و مالی، مکمل آن محسوب می‌شود. این رویکرد به‌ویژه در حوزه مالی و اداری که در بسیاری از نظام‌های حقوقی جزء حساس‌ترین بخش‌ها به شمار می‌رود، اهمیت دوچندان دارد. به‌عنوان نمونه، دادگاه قانون اساسی کوزوو در رسیدگی به «قانون حقوق و دستمزد در بخش عمومی» اعلام کرد که وابستگی مالی دستگاه قضایی به دولت، ناقض استقلال آن است. این دادگاه تصریح کرد که نهادهای قضایی باید اختیار تعیین بودجه و پرداخت حقوق کارکنان خود را داشته باشند و هرگونه مداخله اجرایی در این زمینه، نقض اصل تفکیک قوا محسوب می‌شود (Constitutional Court of Kosovo, 2020: paras.274-283).

همچنین شایان ذکر است که کمیسیون عدالت کوزوو نیز در راستای تحقق و تحکیم ضمانت‌های قانونی و نهادی به‌منظور صیانت از استقلال قضات، «منشور اصول اخلاقی و رفتاری قضات» را در سال ۲۰۰۶ به تصویب رسانده است. این منشور با ترسیم چهارچوبی نظام‌مند و منسجم، ضمن ایفای نقش راهنمای جامع، به‌عنوان معیاری معتبر برای ارزیابی عملکرد قضات نیز به‌کار گرفته می‌شود. اصول مقرر در این سند، با اقتباس از «اصول بانگلور در خصوص رفتار قضایی»^۱ تدوین گردیده و از این طریق، هم‌راستایی با استانداردهای بین‌المللی و تقویت استقلال و بی‌طرفی قوه قضائیه کوزوو مورد تأکید قرار گرفته است.

۲-۴. سازوکارهای صیانت از استقلال قضات در فلسطین

ضمانت‌های قانونی و نهادی از مهم‌ترین ارکان صیانت از استقلال قضات در نظام قضایی فلسطین به شمار می‌آیند. امنیت شغلی قضات نقش کلیدی در این حوزه ایفا می‌کند؛ زیرا بدون تضمین این امنیت، قضات ممکن است در مواجهه با تهدید برکناری یا تزلزل موقعیت شغلی، نتوانند به‌صورت مستقل و فارغ از فشارهای سیاسی تصمیم‌گیری کنند. مطابق با قانون اساسی موقت فلسطین، قضات تنها در شرایط مشخص و قانونی و از طریق فرایندهای قضایی معتبر قابل عزل هستند. این محدودیت‌ها، حفاظتی مهم در برابر مداخلات غیرقانونی سایر قوا

۱. «اصول بانگلور در خصوص رفتار قضایی» (Bangalore Principles of Judicial Conduct, 2002)، مجموعه‌ای از اصول اخلاقی است که با هدف ارتقای کیفیت عملکرد قضایی و تضمین استقلال و بی‌طرفی قضات تدوین شده و به‌عنوان راهنمایی جهانی برای قضات در نظام‌های حقوقی مختلف، اعم از نظام‌های حقوقی عرفی و مدنی، مورد پذیرش قرار گرفت. برای مطالعه بیشتر در این خصوص، رجوع کنید به: (توکلی‌نیا، ۱۴۰۰: ۱۳-۵۰).

محسوب شده و مانع از اعمال فشارهای سیاسی یا اجرایی می‌شوند (Palestinian Basic Law, 2003: Article.99).

علاوه بر امنیت شغلی، نظام قضایی فلسطین با ایجاد سازوکارهای انضباطی منصفانه و دقیق به حفظ شأن و کرامت حرفه‌ای قضات توجه ویژه‌ای داشته است. تخلفات حرفه‌ای قضات به صورت دقیق تعریف شده و مرجع رسیدگی به این تخلفات، متشکل از قضات ارشد دیوان عالی و دادگاه تجدیدنظر است. این مرجع با فرآیندهای شفاف و بی‌طرفانه از برخوردهای سلیقه‌ای و سیاسی جلوگیری می‌کند و در صورت نیاز، اعضای آن قابل جایگزینی هستند تا عدالت و بی‌طرفی در رسیدگی به تخلفات حفظ شود (Judicial Authority Law No.1, 2002: Article.48). چنین ساختاری، موجب اطمینان قضات می‌شود که هرگونه اعمال انضباط مطابق قواعد حقوقی و بدون دخالت‌های غیرموجه انجام می‌گیرد.

موضوع مهم دیگر در این زمینه، تضمین‌های مربوط به جابه‌جایی، مأموریت و ارتقای قضات است که می‌تواند بر استقلال آنان تأثیرگذار باشد. نظام قضایی فلسطین مقررات مشخصی برای جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی در این حوزه وضع کرده است. تصمیمات مربوط به انتقال یا مأموریت قضات باید توسط شورای عالی قضایی اتخاذ شود که بر اساس ارزیابی‌های حرفه‌ای و با توجه به سوابق و عملکرد قضات عمل می‌کند. مدت مأموریت‌ها محدود به سه سال است، مگر در موارد خاص که با تصویب شورای مذکور قابل تمدید است. همچنین، اعزام قضات به مأموریت‌های بین‌المللی منوط به موافقت رئیس تشکیلات و تأیید شورای عالی قضایی است (Judicial Authority Law No.1, 2002: Articles.23-24). این سازوکارها تضمین می‌کنند که جابه‌جایی‌ها صرفاً بر مبنای معیارهای حرفه‌ای و حقوقی صورت گیرد و از فشارهای سیاسی یا سلیقه‌ای جلوگیری شود.

سایر ضمانت‌ها به توسعه ظرفیت حرفه‌ای قضات مرتبط است. نظام قضایی فلسطین اهمیت آموزش مستمر قضات در زمینه قوانین، حقوق بشر و اصول اخلاق قضایی را به رسمیت شناخته است. شورای عالی قضایی مسئول تدوین برنامه‌های آموزشی و حرفه‌ای است که علاوه بر ارتقای دانش و مهارت قضات، موجب تقویت مقاومت آنان در برابر فشارهای بیرونی و سیاسی می‌شود. این آموزش‌ها به قضات کمک می‌کند تا تصمیم‌گیری‌های خود را بر اساس دانش حقوقی و معیارهای اخلاقی اتخاذ کنند و استقلال حرفه‌ای خود را حفظ نمایند (Palestinian National Authority, 2020: 22). باین حال، استقلال قضات به معنای مصونیت کامل از پاسخگویی نیست.

نظام قضایی فلسطین با ایجاد سازوکارهای انضباطی مستقل، توازن مناسبی میان استقلال قضات و مسئولیت‌پذیری آنان برقرار کرده است. این تعادل باعث تقویت اعتماد عمومی به دستگاه قضایی و افزایش مشروعیت آن شده است. قضات در چارچوب این سازوکارها در قبال تصمیمات خود مسئول بوده و هرگونه تخلف احتمالی توسط مراجع مستقل بررسی می‌شود، بدون اینکه این بررسی‌ها به بهانه‌ای برای دخالت‌های سیاسی یا محدودسازی استقلال آنان تبدیل شود.

۳-۴. سازوکارهای صیانت از استقلال قضات در ترکیه

قانون اساسی ترکیه در چندین ماده، تضمین‌های حقوقی و حرفه‌ای مشخصی را برای حفظ استقلال قضات پیش‌بینی کرده است. ماده ۱۳۸ قانون اساسی، به صراحت استقلال قضات را در صدور آرای قضایی تضمین می‌کند و هرگونه مداخله، فشار یا نفوذ در انجام وظایف قضایی آنان را ممنوع اعلام می‌دارد. این ماده، سنگ‌بنای تضمین استقلال قضات است و به‌روشنی قوه قضائیه را از مداخلات غیرموجه سایر قوا مصون می‌دارد. ماده ۱۳۹ نیز امنیت شغلی قضات و دادستان‌ها را مورد حمایت قرار داده و از هرگونه عزل یا اعمال فشار اداری غیرقانونی بر آنان جلوگیری می‌کند. این تضمین امنیت شغلی، از ارکان اصلی استقلال قضات به شمار می‌رود، چراکه فقدان آن می‌تواند زمینه‌ساز دخالت‌های غیرقانونی و سیاسی گردد. افزون بر این، ماده ۱۴۰ با وضع مقررات دقیق در زمینه ارتقاء و تنبیه و تعقیب قضات، چارچوب قانونی لازم برای حفظ انضباط حرفه‌ای و جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده در اعمال این صلاحیت‌ها را فراهم ساخته است.

دادگاه قانون اساسی ترکیه در آرای متعدد خود بر اهمیت رعایت این تضمین‌ها تأکید نموده است. به‌عنوان نمونه، در یکی از آرای خود اعلام کرد که ادعای فقدان استقلال شورای قضات و دادستان‌ها مبتنی بر شواهد کافی نیست و این شورا به‌عنوان نهادی سازمان‌دهنده و مستقل، نقشی مجزا از دادگاه‌ها دارد و عملکرد آن ارتباط مستقیمی با فرآیندهای قضایی ندارد (Court of Cassation of Turkey, 2015: Para.36). این رأی نشان می‌دهد که نهادهای قضایی داخلی تلاش می‌کنند استقلال ساختاری شوراهای قضایی را حفظ کنند، اما در سطح بین‌المللی و در پرونده‌های مطرح شده در دیوان اروپایی حقوق بشر، ضعف‌هایی در عملکرد و استقلال برخی نهادهای قضایی مشاهده شده است. این موضوع مؤید این نکته است که تضمین‌های قانونی صرفاً در مرحله شکل‌گیری استقلال قضایی مؤثر نیست و لازم است این استقلال در عمل نیز به‌طور مستمر حمایت و حفظ شود.

از سوی دیگر، نظام انضباطی قضات به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تضمین‌های حرفه‌ای برای صیانت از استقلال قضات طراحی شده است. این نظام دارای ساختاری متشکل از قضات ارشد دیوان عالی و دادگاه تجدیدنظر است که بدون دخالت مراجع اجرایی یا سیاسی، به تخلفات احتمالی قضات رسیدگی می‌کنند. این رویه بر اصول بی‌طرفی و استقلال نهادی استوار است و بدین ترتیب، اطمینان حاصل می‌شود که فرآیند انضباطی تحت تأثیر فشارهای بیرونی قرار نگیرد. اهمیت این سازوکار در آن است که هم شأن قضات را حفظ می‌کند و هم از بروز سوءاستفاده‌های احتمالی جلوگیری به عمل می‌آورد. بنابراین، این نظام ضمن حفظ استقلال فردی قضات، به تقویت اعتماد عمومی به عدالت و نهادهای قضایی کمک می‌کند.

۵. محدودیت‌ها و عوامل تضعیف استقلال قضایی در کوزوو، فلسطین و ترکیه

چالش‌های متعددی بر سر راه تضمین و تحقق کامل استقلال قضایی در نظام‌های حقوقی مختلف وجود دارد که می‌تواند عملکرد بی‌طرفانه و مستقل قوه قضائیه را تحت تأثیر قرار دهد. این چالش‌ها شامل تداخل وظایف قوا، فشارهای سیاسی و نظامی، ضعف سازوکارهای نهادی و مشکلات ساختاری است. علاوه بر آن، مسائل مرتبط با استقلال درون‌سازمانی و محدودیت‌های مالی نیز از عوامل مهم تضعیف این اصل به شمار می‌روند. در این بخش، چالش‌های برجسته در نظام‌های حقوقی کوزوو، فلسطین و ترکیه مورد بررسی قرار می‌گیرد تا ابعاد مختلف این موانع روشن شود.

۵-۱. چالش‌های پیش‌روی استقلال قضایی در کوزوو

در نظام حقوقی کوزوو، یکی از چالش‌های اساسی در تضمین استقلال قضایی، فقدان یا ضعف سازوکارهای حقوقی و نهادی برای جلوگیری از مداخلات سایر قوا، به‌ویژه قوه مجریه، در عملکرد دستگاه قضایی است. کمیته حقوق بشر سازمان ملل تأکید کرده است که تعیین دقیق و متمایز حدود صلاحیت و مسئولیت قوه قضائیه و قوه مجریه، شرط اساسی برای جلوگیری از تداخل وظایف و اعمال نفوذ محسوب می‌شود (Human Rights Committee, 2007: Para.19). بر این اساس، هر وضعیت حقوقی یا عملی که امکان کنترل یا تأثیرگذاری قوه مجریه بر نهاد قضایی کوزوو را فراهم کند، با الزامات استقلال قضایی مغایرت دارد.

از دیگر چالش‌های مهم در کوزوو، تهدیدات مرتبط با استقلال درون‌سازمانی قوه قضائیه است. مداخلات یا دستورات مقامات بالادستی، به‌ویژه رؤسای دادگاه‌ها، می‌تواند استقلال قضات را تضعیف کند. دیوان اروپایی

حقوق بشر در پرونده پارلوف-تکالچیچ^۱ هشدار داده است که فقدان تضمین‌های مؤثر در این زمینه، موجب ایجاد تردید عینی نسبت به بی‌طرفی دادگاه و کاهش اعتماد عمومی خواهد شد (ECtHR, 2009: Para.86). دادگاه قانون اساسی کوزوو، با بهره‌گیری از رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر، کوشیده است با ارائه تفسیری گسترده از «دادگاه مستقل»، این ضعف نهادی را تا حدی جبران کند. این دادگاه در آرای KI33/16 و KO127/21 اعلام کرده که حتی نهادهای غیرقضایی، در صورت برخورداری از استقلال ساختاری، صلاحیت مشخص و قابلیت نظارت قضایی، می‌توانند ذیل عنوان دادگاه قرار گیرند. چنین رویکردی بیانگر تلاش برای مصون‌سازی نهادهای شبه‌قضایی کوزوو از کنترل خارجی است (Constitutional Court of Kosovo, 2021: Paras.85-88; Constitutional Court of Kosovo, 2017: Paras.56-59).

چالش دیگر، استقلال ظاهری دادگاه‌ها در کوزوو است. بر اساس رویه دیوان اروپایی حقوق بشر، ارزیابی استقلال تنها به ساختار و الزامات درونی محدود نمی‌شود، بلکه ادراک عمومی و جلوه‌های بیرونی نیز نقش تعیین‌کننده دارند (ECtHR, 2001: Para.45).^۲ هرگاه موقعیت اداری یا سازمانی یک قاضی نسبت به یکی از طرفین دعوا حالت تبعی ایجاد کند، اعتماد عمومی نسبت به بی‌طرفی دادگاه آسیب می‌بیند. در یک پرونده علیه فرانسه، دیوان بر اهمیت تضمین‌هایی نظیر دوره تصدی مشخص، استقلال سازمانی از وزارت دادگستری و همچنین فرآیندهای شفاف و توافقی در انتصاب و ارتقای قضات تأکید کرده است (ECtHR, 2018: Paras.75-85). همچنین، در دعوای اربن و اربن^۳ علیه لهستان، دیوان اعلام کرد که استقلال مرجع تجدیدنظر فقط در صورتی می‌تواند ضعف استقلال دادگاه بدوی را جبران کند که رسیدگی آن ماهوی و منطبق بر الزامات دادرسی منصفانه باشد (ECtHR, 2010/C: Paras.47-56). دادگاه قانون اساسی کوزوو نیز در تبعیت کامل از رویکرد دیوان اروپایی، بر ضرورت پیشگیری از ایجاد شائبه جانبداری تأکید دارد. این دادگاه در دو پرونده مشخص^۴ تصریح کرده است که حتی حضور یک قاضی در دو مرحله از فرایند رسیدگی، ولو مطابق مقررات قانونی داخلی می‌تواند استقلال ظاهری دادگاه را مخدوش و ادراک بی‌طرفی را تضعیف کند. از منظر این دادگاه، صرف ایجاد «شائبه جانبداری» حتی بدون وجود شواهد قطعی، برای نفی بی‌طرفی دادگاه کفایت می‌کند.

1. Parlov-Tkalčić

2. Also See: (ECtHR, 1989: Para.48).

3. Urban and Urban

4. See: (Constitutional Court of Kosovo, Case KI187/18 and KI11/19, 2019, paras.65-69; Constitutional Court of Kosovo, Case KI06/12, 2012, paras.36-52).

۵-۲. چالش‌های پیش‌روی استقلال قضایی در فلسطین

اجرای عملی اصل استقلال قضایی در فلسطین با مجموعه‌ای از چالش‌های عمیق و ساختاری مواجه است که محدودیت‌های قابل توجهی در تحقق کامل این اصل ایجاد می‌کنند. نخست، شرایط سیاسی ویژه فلسطین که متأثر از اشغال نظامی مداوم و وضعیت دوگانگی نهادی میان کرانه باختری و نوار غزه است، زمینه‌ای نامناسب و پرتنش برای عملکرد مستقل قوه قضائیه فراهم آورده است. در چنین فضایی، قوه قضائیه همواره در معرض فشارهای مستقیم و غیرمستقیم از سوی بازیگران سیاسی و نظامی قرار دارد که استقلال واقعی و عملکرد بدون مداخله آن را به شدت تهدید می‌کند. درواقع، شرایط استثنایی ناشی از اشغال، محدودیت‌های جغرافیایی و وجود دو مرکز قدرت موازی باعث شده است قوه قضائیه نتواند به‌صورت یکپارچه و کارآمد فعالیت کند (الهیئه المستقله لحقوق الإنسان، ۱۴۴۲ق: ۵).

علاوه بر موانع سیاسی و نظامی، مشکلات ساختاری نیز تأثیر بسزایی بر استقلال قضایی گذاشته است. فقدان قانون جامع و هماهنگ قوه قضائیه باعث شده است که بسیاری از سازوکارهای اساسی در حوزه انتصاب، ارتقا و تضمین امنیت شغلی قضات به‌صورت ناقص یا پراکنده وجود داشته باشد. این خلأ قانونی، نه تنها ضعف ضمانت‌های اجرایی را به همراه داشته، بلکه موجب شده است فرآیندهای کلیدی به‌گونه‌ای اداره شود که امکان نفوذ سیاسی و مداخله قوه مجریه را افزایش می‌دهد (Obied, 2001: 102-128)؛ به‌ویژه وابستگی مالی قوه قضائیه به قوه مجریه، یکی از مهم‌ترین عوامل تضعیف استقلال نهادی محسوب می‌شود، زیرا کنترل منابع مالی به‌عنوان ابزاری برای اعمال فشار و محدودسازی فعالیت‌های قضایی مورد استفاده قرار می‌گیرد (أبو صوی، ۱۴۳۷ق: ۵۶). از سوی دیگر، فقدان شفافیت و نبود سازوکارهای حرفه‌ای و عادلانه در فرایندهای انتصاب و ارتقای قضات، زمینه را برای نفوذ سلیقه‌ای و سیاسی فراهم کرده است. این امر باعث کاهش اعتماد عمومی به دستگاه قضایی و ایجاد تردید نسبت به بی‌طرفی و استقلال آن شده است. درواقع، نبود معیارهای روشن و شفاف برای ارزیابی عملکرد قضات و تصمیم‌گیری‌های مرتبط، موجب شده است که انتخاب قضات به جای مبتنی بر شایستگی، تحت تأثیر فشارهای سیاسی یا روابط شخصی قرار گیرد و این امر به تدریج ساختار قضایی را تضعیف می‌کند (منصور، ۱۴۳۳ق: ۱۱۲).

علاوه بر موارد مذکور، محدودیت‌های ناشی از عدم دسترسی آزادانه قضات به مناطق مختلف و منابع اطلاعاتی نیز از دیگر موانع مهم است که استقلال قضایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. محدودیت در حرکت و

فعالیت قضات به‌ویژه در مناطق تحت اشغال، کارآمدی دستگاه قضایی را کاهش داده و موجب کندی در رسیدگی به پرونده‌ها و عدم تحقق حق دادرسی منصفانه می‌شود. این وضعیت، نه تنها استقلال قضات را کاهش می‌دهد، بلکه به نوعی حقوق شهروندان فلسطینی را نیز محدود و نقض می‌کند (الهیئه المستقله لحقوق الإنسان، ۱۴۴۲ق: ۵).

در نهایت، باید به نقش مداخلات خارجی اشاره کرد که علاوه بر چالش‌های داخلی، استقلال قضایی فلسطین را بیش از پیش در معرض تهدید قرار داده‌اند. مداخلات سیاسی و نظامی رژیم اشغالگر و نفوذ برخی گروه‌های سیاسی داخلی، نهاد قضایی را در موقعیتی قرار داده است که برای حفظ حداقلی از عملکرد مستقل باید با موانع متعدد و متنوعی مقابله نماید. این وضعیت پیچیده، تحقق کامل اصل استقلال قضایی را به یکی از دشوارترین و پیچیده‌ترین مسائل نظام حقوقی فلسطین تبدیل کرده است. به این ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که تحقق استقلال قضایی در فلسطین، علاوه بر نیاز به تقویت سازوکارهای قانونی و نهادی، مستلزم اصلاحات گسترده در ساختار سیاسی و امنیتی، پایان شرایط اشغال و همچنین ایجاد وحدت نهادی در دستگاه قضایی است تا بستر مناسبی برای عملکرد مستقل و اثرگذار قوه قضائیه فراهم گردد.

۳-۵. چالش‌های پیش‌روی استقلال قضایی در ترکیه

با وجود مجموعه‌ای از اصلاحات قانونی و حرفه‌ای که در سال‌های اخیر در ترکیه به اجرا گذاشته شد، چالش‌های بنیادین و متعددی همچنان سد راه تحقق استقلال کامل قوه قضائیه باقی مانده است. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، تغییر ساختار «شورای قضات و دادستان‌ها» و واگذاری اختیار انتصاب اعضای آن به پارلمان است. هرچند این اقدام با هدف تقویت مشروعیت دموکراتیک شورا توجیه شده است، اما نهادهای بین‌المللی - به‌ویژه گروه کشورهای علیه فساد - آن را به شدت مورد انتقاد قرار داده و چنین تغییری را عاملی بازدارنده در مسیر تحقق استقلال واقعی و بی‌طرفی قوه قضائیه دانسته‌اند (GRECO, 2022: Para.39). این انتقادات به‌طور ضمنی هشدار می‌دهند که هرگونه تمرکز قدرت انتصابی در دست نهادهای سیاسی می‌تواند ساختار قضایی را در معرض نفوذ و مداخلات غیرقضایی قرار دهد. از سوی دیگر، دیوان اروپایی حقوق بشر در چندین پرونده مهم، به صراحت بر فقدان استقلال و بی‌طرفی لازم در نهادهای قضایی نظامی ترکیه تأکید کرده است. این دیوان با بررسی ترکیب هیئت‌های قضایی دادگاه‌های نظامی و حضور افسران شاغل در سلسله‌مراتب نظامی، به این نتیجه رسیده است که چنین ساختاری با الزامات اصل بی‌طرفی و استقلال قضات مغایرت دارد و نقض این اصول را محرز دانسته

است (ECtHR, 2012: Para.19; ECtHE, 2015: Para.83). چنین آرای، آشکار می‌سازند که مداخلات اجرایی در انتصابات و نظارت بر عملکرد شوراهای قضایی، همچنان یکی از موانع کلیدی در مسیر تحقق استقلال قضات و نهادهای قضایی محسوب می‌شود.

در این میان، حکم دادگاه قانون اساسی ترکیه در سال ۲۰۲۳ که به لغو مقررات مربوط به ایجاد سمت‌های قضایی توسط فرمان ریاست‌جمهوری انجامید، نمونه‌ای بارز از حساسیت دستگاه قضایی نسبت به صیانت از استقلال خود و مقابله با نفوذ قوه مجریه است (Constitutional Court of Turkey, 2023). این حکم نه تنها نشان‌دهنده واکنش فعال نهاد قضایی به تهدیدهای احتمالی علیه استقلال آن است، بلکه تأیید می‌کند که حتی پس از اصلاحات ساختاری، قوه قضائیه همچنان در معرض فشارها و مداخلات اجرایی قرار دارد. بر این اساس، تضمین استقلال واقعی این قوه، مستلزم تداوم مراقبت‌ها، تقویت نهادهای نظارتی و به‌کارگیری تدابیر عملی و اجرایی کارآمدتر است. همچنین، تضاد میان ارزیابی‌های نهادهای داخلی و گزارش‌های نهادهای بین‌المللی در خصوص میزان تحقق استقلال قضایی، بازتابی از پیچیدگی وضعیت موجود و ضرورت انجام بازنگری‌های عمیق‌تر در ساختارهای قانونی و نهادی است. این واقعیت به‌روشنی بیانگر آن است که استقلال قضایی در ترکیه همچنان یکی از محورهای حساس و چالش‌برانگیز حیات سیاسی و حقوقی این کشور باقی مانده و تحقق کامل آن نیازمند اراده سیاسی قوی، اجرای اصلاحات عینی فراتر از اصلاحات صرفاً قانونی و همچنین ایجاد سازوکارهای پایدار برای همکاری و هماهنگی میان نهادهای مختلف است.

محورها	شباهت‌ها	تفاوت‌ها
جایگاه اصل استقلال قضایی در قانون اساسی	✓ اصل استقلال قضایی به‌عنوان یکی از ارکان حاکمیت قانون و پیش‌شرط تحقق دادرسی منصفانه و بی‌طرفانه در قانون اساسی هر سه کشور تصریح شده است. ✓ در هر سه نظام، استقلال قضات هم در بعد نهادی (ساختار قوه قضائیه و روابط آن با سایر قوا) و هم در بعد فردی (آزادی قاضی در تصمیم‌گیری) مورد تأکید قرار گرفته است. ✓ در هر سه کشور، دادگاه قانون اساسی نقش فعالی در تبیین و تقویت مفهوم استقلال قضایی و صیانت از آن در برابر مداخلات قوه مجریه و مقننه ایفا می‌کند. ✓ اسناد بین‌المللی حقوق بشر و استانداردهای دادرسی منصفانه در هر سه نظام به‌عنوان منابع الهام یا مبنای تفسیر مقررات اساسی مورد استفاده قرار می‌گیرند، هرچند دامنه و شدت این پیوند متفاوت است.	✓ کوزوو در مقایسه با فلسطین و ترکیه، بالاترین سطح الحاق و اجرای مستقیم اسناد بین‌المللی حقوق بشر (مواد ۲۲ و ۵۳) را دارد و نهادها را به تبعیت الزام‌آور از رویه دیوان اروپایی حقوق بشر موظف می‌کند؛ چنین الزامی در دو کشور دیگر به این صراحت وجود ندارد. ✓ فلسطین برخلاف کوزوو و ترکیه، فاقد قانون اساسی دائمی است و اصل استقلال قضایی را در «قانون اساسی موقت» پیش‌بینی کرده که تحقق آن به‌شدت تحت تأثیر اشغال و محدودیت‌های حاکمیتی است. ✓ ترکیه نسبت به کوزوو و فلسطین، مواد متعدد و تفصیلی برای ابعاد مختلف استقلال قضایی دارد (۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۵۹) و بر سازوکارهای درونی و نقش شورای قضات و دادستان‌ها تأکید می‌کند، درحالی‌که کوزوو بیشتر بر استانداردهای بین‌المللی و فلسطین بر ایجاد ساختارهای اولیه متمرکز است.
ساختار نهادی استقلال قضایی	✓ هر سه کشور ساختارها و نهادهای قضایی مشخصی را برای تضمین استقلال قضات پیش‌بینی کرده‌اند که در آن‌ها سازوکارهایی برای جلوگیری از دخالت قوا و نهادهای دیگر وجود دارد. ✓ در هر سه نظام، شورای عالی قضایی یا نهاد مشابه آن، نقش کلیدی در مدیریت امور اداری، مالی و انتصاب قضات ایفا می‌کند و به‌عنوان حافظ استقلال دستگاه قضایی شناخته شده است. ✓ فرآیند انتصاب قضات در هر سه کشور تلاش دارد تعادلی میان اقتدار اجرایی و استقلال قضایی ایجاد کند؛ هرچند نحوه اجرا و میزان نفوذ قوا متفاوت است. ✓ هر سه نظام بر استقلال مالی و بودجه‌ای دستگاه قضایی تأکید دارند تا امکان فشار مالی از سوی قوه مجریه بر قوه قضائیه به حداقل برسد.	✓ کوزوو با اتکا به رویه دیوان اروپایی حقوق بشر، انتصاب قضات توسط مقامات اجرایی را ناقض استقلال نمی‌داند به شرط وجود تضمین‌های عملی و مقاومت قضات در برابر نفوذ؛ درحالی‌که فلسطین بیشتر بر استقلال نهادی شورای عالی قضایی و محدودیت نقش قوه مجریه تأکید دارد. ✓ فلسطین فرآیند دو مرحله‌ای انتصاب قضات (پیشنهاد شورا و تصویب رئیس خودگردان) و تفکیک کامل امور اداری قوه قضائیه از قوه مجریه را پیش‌بینی کرده است؛ درحالی‌که در نظام‌های حقوقی کوزوو و ترکیه چنین ساختار مشخص و صریحی وجود ندارد. ✓ ترکیه با وجود اصلاحات، مورد انتقاد نهادهای بین‌المللی برای عدم تطابق ساختار شورای قضات و دادستان‌ها با استانداردهای استقلال قرار دارد و دادگاه قانون اساسی آن مداخلات قوه مجریه را نقض قانون اساسی دانسته است؛ موضوعی که در کوزوو و فلسطین به این شدت مطرح نیست.
ضمانت‌های قانونی و نهادی به‌منظور صیانت از استقلال قضات	✓ ضمانت‌های قانونی و نهادی به‌منظور صیانت از استقلال قضات در هر سه نظام، شامل تضمین امنیت شغلی، نظام‌های انضباطی مستقل و مقررات شفاف برای ارتقاء، انتقال و برکناری قضات است. ✓ در هر سه کشور، تأکید بر حفظ تعادل میان استقلال قضات و مسئولیت‌پذیری حرفه‌ای آنان از طریق ایجاد سازوکارهای انضباطی بی‌طرفانه و شفاف وجود دارد. ✓ آموزش و ارتقای مستمر دانش حقوقی و اخلاقی قضات به‌عنوان بخشی از تضمین‌های نهادی، در نظام‌های کوزوو و فلسطین مورد توجه ویژه قرار	✓ کوزوو به‌طور برجسته استقلال مالی قوه قضائیه را تضمین کرده و اختیار تعیین بودجه و پرداخت حقوق قضات را مستقیماً به نهادهای قضایی واگذار نموده است که این ضمانت در فلسطین و ترکیه به این وضوح وجود ندارد. ✓ فلسطین با پیش‌بینی نظام انضباطی دقیق، شفاف و مستقل، فرآیندهای منصفانه رسیدگی به تخلفات قضات را تضمین کرده و سازوکارهای مشخصی برای جابه‌جایی، مأموریت و ارتقای قضات دارد؛ این ساختار نسبت به کوزوو و

ترکیه از جزئیات و محدودیت‌های بیشتری برخوردار است. ✓ ترکیه با وجود تضمین‌ها و حمایت‌های قانونی در قانون اساسی برای استقلال قضات و نظام انضباطی، در عمل با نقدهای بین‌المللی مواجه است که در کوزوو و فلسطین کمتر دیده می‌شود.	گرفته است. ✓ دادگاه‌های قانون اساسی و نهادهای قضایی عالی هر سه کشور، نقش فعال و تأثیرگذاری در تفسیر و تأمین ضمانت‌های استقلال قضات ایفا می‌کنند و بر ممنوعیت مداخلات غیرقانونی قوا و نهادهای اجرایی تأکید دارند.	
✓ در کوزوو، ضعف سازوکارهای حقوقی و نهادی برای جلوگیری از مداخلات قوه مجریه و استقلال ظاهری قضات، ازجمله مشکلات برجسته است، درحالی‌که فلسطین با چالش‌های عمیق سیاسی، نظامی و ساختاری مواجه است که ناشی از اشغال و وضعیت دوگانگی نهادی است. ✓ فلسطین علاوه بر فشارهای خارجی، با فقدان قانون جامع و هماهنگ قضایی و وابستگی مالی قوه قضائیه به قوه مجریه روبرو است که این موارد به شدت استقلال نهادی و عملی قضات را تضعیف می‌کند؛ وضعیتی که در کوزوو و ترکیه به این شدت وجود ندارد. ✓ در ترکیه، تغییر ساختار شورای قضات و دادستان‌ها و واگذاری اختیار انتصابات به پارلمان و همچنین ضعف استقلال نهادهای قضایی نظامی، ازجمله موانع خاصی هستند که کمتر در کوزوو و فلسطین دیده می‌شود و نشان‌دهنده چالش‌های حقوقی و نهادی متفاوت در تحقق استقلال قضایی است.	✓ در هر سه نظام قضایی، چالش‌های عمده‌ای در حوزه مداخلات قوا، به‌ویژه قوه مجریه، بر استقلال قضات سایه افکنده است؛ مداخلاتی که موجب تداخل وظایف و محدودسازی استقلال قضایی می‌شود. ✓ مسائل مرتبط با استقلال درون‌سازمانی و مداخلات مقامات بالادستی، ازجمله رؤسای دادگاه‌ها، در هر سه کشور به‌عنوان عاملی تأثیرگذار بر کاهش اعتماد عمومی به بی‌طرفی و استقلال قوه قضائیه مطرح است. ✓ فشارهای سیاسی و اجتماعی خارجی، به‌ویژه در پرونده‌های حساس و جنجالی، در هر سه نظام قضایی، استقلال قضات را به‌طور جدی تهدید کرده و بر بی‌طرفی تصمیمات آنان تأثیر منفی می‌گذارد. ✓ محدودیت‌های مالی و ضعف سازوکارهای نهادی، به‌ویژه در زمینه تأمین منابع مالی مستقل و سازوکارهای شفاف انتصاب و ارتقای قضات، چالشی مشترک در نظام حقوقی هر سه کشور محسوب می‌شوند.	محدودیت‌ها و عوامل تضعیف استقلال قضایی

جدول ۱- جدول شباهت‌ها و تفاوت‌های استقلال قضایی در «کوزوو، فلسطین و ترکیه» بر پایه چهار محور تحلیلی

نتیجه‌گیری

در عصر حاضر، استقلال قضایی به‌عنوان یکی از ارکان اساسی حاکمیت قانون و تحقق عدالت شناخته می‌شود و تحقق آن، شرط اساسی برای اجرای بی‌طرفانه و منصفانه قوانین است. با وجود این، نظام‌های حقوقی کشورهای اسلامی متأثر از شرایط تاریخی، سیاسی و اجتماعی متمایز، مسیرهای متفاوتی را در جهت تحقق این اصل پیموده‌اند. بررسی تطبیقی وضعیت در سه کشور کوزوو، فلسطین و ترکیه نشان می‌دهد که هر یک با بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و در عین حال مواجهه با محدودیت‌های خاص خود، الگوهای متفاوتی برای ارتقای استقلال قضایی اتخاذ کرده‌اند.

در کوزوو، در راستای انطباق با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر، تصریح قانون اساسی این کشور بر لازم‌الاجرا بودن کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و تبعیت دیوان قانون اساسی از رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق

بشر، بستر جلوگیری از مداخلات قوا و ایجاد سازوکارهای حمایتی را فراهم ساخته است. با این حال، ضعف ظرفیت‌های اجرایی و ضرورت اصلاحات عمیق‌تر ساختاری، مانع تحقق کامل استقلال قضایی در کوزوو به شمار می‌آید. در فلسطین، استقلال قضایی همواره تحت تأثیر مداخلات سیاسی و سلطه خارجی قرار داشته است. هرچند تصویب قانون اساسی ۲۰۰۳ و تأسیس شورای عالی قضایی، گامی مهم در جهت نهادینه‌سازی این اصل محسوب می‌شود، اما استمرار اشغال نظامی، محدودیت‌های ناشی از ساختار سیاسی و ضعف در اجرای قوانین، تحقق واقعی استقلال قضات را دشوار ساخته و چالش‌های موجود را مضاعف کرده است. در ترکیه نیز اصلاحات حقوقی سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۱۷، از جمله تأسیس شورای قضات و دادستان‌ها، با هدف تقویت استقلال قضایی انجام پذیرفته است. با این حال، ترکیب و سازوکار عملکرد این شورا همچنان تحت نفوذ سیاسی ارزیابی می‌شود و به همین دلیل، نهادهای بین‌المللی همچون شورای اروپا و دیوان اروپایی حقوق بشر بارها ترکیه را به نقض معیارهای استقلال قضایی مورد انتقاد قرار داده‌اند.

به‌طورکلی، بررسی نظام‌های قضایی سه کشور کوزوو، فلسطین و ترکیه نشان می‌دهد که هر یک با موانع و چالش‌های خاص خود در مسیر تحقق استقلال قضایی مواجه‌اند، اما وجه مشترک آن‌ها، تلاش برای نهادینه‌سازی و تحکیم این اصل بنیادین است. در این راستا، مجموعه‌ای از راهکارهای اساسی قابل طرح و اجراست: نخست آنکه اصلاحات مستمر ساختاری و تقنینی در نظام قضایی امری اجتناب‌ناپذیر است. این اصلاحات باید ناظر بر بازنگری و تقویت مقررات مربوط به انتصاب، ارتقاء و عزل قضات باشد، به نحوی که امکان هرگونه مداخله یا نفوذ سیاسی در این فرایندها منتفی گردد و امنیت شغلی و حرفه‌ای قضات تضمین شود. تحقق این امر، شرط لازم برای اعمال صلاحیت قضات با استقلال و آزادی کامل در تصمیم‌گیری‌های قضایی است؛ راهکار دوم، تقویت نهادهای نظارتی و حمایتی مستقل است. شوراهای و کمیته‌های ویژه باید با اختیارات کافی در زمینه ارزیابی عملکرد قضات، رسیدگی به تخلفات و نظارت بر فرآیندهای اجرایی ایجاد یا تقویت شوند. چنین نهادهایی نه تنها مانع از دخالت‌های بیرونی می‌شوند، بلکه به ایجاد توازن میان استقلال و پاسخگویی قضات نیز یاری می‌رسانند. همچنین، تفکیک کامل امور اداری و مالی قوه قضائیه از قوه مجریه نیز ضرورت دارد. دستگاه قضایی باید از بودجه مستقل برخوردار باشد تا در انجام وظایف خود از وابستگی به اراده قوه مجریه مصون بماند. این استقلال مالی، بستر لازم برای عملکرد بی‌طرفانه و بدون فشار خارجی را فراهم می‌سازد. افزون بر آن، افزایش شفافیت در فرآیندهای قضایی و مشارکت فعال قضات در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با اداره دستگاه قضایی از اهمیت ویژه‌ای

برخوردار است. علنی بودن معیارها و روندهای انتصابی و اداری، همراه با حضور مؤثر قضات در نهادهای تصمیم‌گیر، مانع شکل‌گیری روابط غیررسمی و نفوذهای غیرقانونی شده و اعتماد عمومی به عدالت را تقویت می‌کند. از دیگر الزامات، ارتقای ظرفیت‌های عملیاتی و آموزشی قضات است. برگزاری دوره‌های تخصصی در حوزه حقوق بشر، رویه‌های قضایی بین‌المللی و شیوه‌های مقابله با فشارهای سیاسی، موجب افزایش توانمندی قضات در صیانت از استقلال حرفه‌ای و بهبود کیفیت تصمیمات قضایی خواهد شد. درنهایت، ایجاد و تقویت سازوکارهای نظارتی بین‌المللی و منطقه‌ای می‌تواند به‌عنوان پشتوانه‌ای مؤثر در ارتقای استقلال قضایی عمل کند. بهره‌گیری از استانداردها و تجارب بین‌المللی، ازجمله توصیه‌های کمیته حقوق بشر و رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر، نه تنها امکان ارزیابی مستمر وضعیت استقلال قضایی را فراهم می‌آورد، بلکه به کشورها فرصت می‌دهد کاستی‌های خود را شناسایی و در جهت اصلاح آن‌ها اقدام کنند.

پیاده‌سازی این مجموعه تدابیر، افزون بر تضمین استقلال قضات، به تقویت حاکمیت قانون، ارتقای اعتماد عمومی به دستگاه قضایی و تحقق عدالت منجر خواهد شد. ازاین‌رو، استمرار اصلاحات قانونی، تحکیم نهادهای قضایی و اعمال نظارت مؤثر، ضرورتی انکارناپذیر برای استقرار نظام قضایی مستقل، پاسخگو و بی‌طرف در این کشورها به شمار می‌آید.

فهرست منابع

- أبو صوی، محمود محمد (۱۴۳۷ق). الفصل بین السلطات و استقلال القضاء فی فلسطین: تنازع الصلاحيات فی قطاع العدالة محمود أبو صوی، رساله ماجستير، جامعه بیرزیت.
- إدریس، جاد إبراهيم صبحی (۱۴۴۶ق). استقلال القضاء الدستوري وفقاً للنظام القانوني الفلسطيني، رساله ماجستير، جامعه القدس.
- الرئيس، ناصر (۱۴۲۳ق). القضاء في فلسطين ومعوقات تطوره، رام الله: مؤسسه الحق.
- الهيئة المستقلة لحقوق الإنسان (۱۴۴۲ق). تقرير حالة حقوق الإنسان في فلسطين، رام الله: الهيئة المستقلة لحقوق الإنسان.
- امیری، محسن و ویژه، محمدرضا (۱۳۹۳). «اصول بنیادین ناظر بر تضمین استقلال قضایی در نظام حقوقی ایران با نگاهی به حقوق فرانسه»، فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۸، شماره ۳.
- پروین، خیرالله (۱۴۰۳). حقوق بشر از نظر تا عمل، چاپ ۳، تهران، انتشارات میزان.
- توکلی‌نیا، امید (۱۴۰۰). «اصول بنگلور در خصوص رفتار قضایی از منظر حقوق اسلامی»، فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، دوره ۴، شماره ۱۳.
- جعفری، سجاد و راعی دهقی، مسعود (۱۴۰۱). «بررسی مولفه‌های حقوق بشری حاکمیت قانون در حقوق بین الملل»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، دوره ۱۰، شماره ۵.
- خندانی، وحید و عامری‌نیا، محمداقرا (۱۳۹۷). «استقلال قضایی در حقوق ایران و انگلیس»، فصلنامه تحقیقات حقوقی بین‌المللی، دوره ۱۱، شماره ۴۱.
- حبیب‌زاده، محمدجعفر؛ کرامت، قاسم و شهبازی‌نیا، مرتضی (۱۳۸۹). «استقلال قضایی در نظام حقوقی ایران با مطالعه تطبیقی»، فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۴، شماره ۴.
- ستایش‌پور، محمد (۱۴۰۱). «استقلال قضات در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در پرتو آموزه‌های دین مبین اسلام»، فصلنامه تمدن حقوقی، دوره ۵، شماره ۱۲.
- شاملو، باقر و شهرام محمدی (۱۳۹۰). «نقض بی‌طرفی و استقلال قاضی؛ جلوه‌ای از اقدام مخل دادرسی عادلانه»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۱۴، شماره ۳. ویژه‌نامه شماره ۶.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی عاملی (۱۴۲۳ق). مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، ج ۱۴، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- شیخ انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق). القضاء و الشهادات، قم: المؤتمر العالمی بمناسبة الذکری الثانیه لمیلاد الشیخ الأعظم الأنصاری. الأمانة العامه.
- شیخ طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). الخلاف فی الاحکام، جلد ۳، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- عزیزی، ابراهیم؛ امیری، محسن و ویژه، محمدرضا (۱۳۹۲). «تأثیر روش انتخاب قاضی بر استقلال قاضی در حقوق ایالات متحده امریکا با نگاهی به حقوق ایران»، فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۷، شماره ۱.

- فضائی، مصطفی (۱۳۹۷). *دادرسی عادلانه: محاکمات کیفری بین‌المللی*، چاپ ۴، تهران: شهر دانش.
- فلاح‌نژاد، فاطمه (۱۴۰۱). «استقلال و بی‌طرفی قضایی جلوه‌ای از دادرسی منصفانه در جهت حفظ حقوق شهروندی؛ سیستم حقوقی ایران در مقایسه با جمهوری خلق چین»، *دوفصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی*، دوره ۱۳، شماره ۲۶.
- گلیپایگانی، سید محمدرضا (۱۴۱۴ق). *کتاب القضاء*، جلد ۱، قم: دارالقرآن الکریم.
- منصور، کمیل (۱۴۳۳ق). *استقلال القضاء فی فلسطين: ورقة مفاهيمية*، جامعه بیرزیت، معهد الحقوق
- مؤسسه الجمعیه الفلسطينیه لحمايه حقوق الإنسان والبیئہ (۱۴۲۰ق). *استقلال القضاء فی مناطق السلطه الوطنیه الفلسطينیه: الواقع والطموح*، القدس: الجمعیه الفلسطينیه لحمايه حقوق الإنسان والبیئہ.
- میرزاده کوهشاهی، نادر؛ قاضی‌زاده، حسین و شیرازی، محمد مهدی (۱۳۹۹). «تحلیل انتقادی عملکرد نظام حقوقی ایران در زمینه مفهوم استقلال قضایی»، *فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی*، دوره ۹، شماره ۱۹.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۲ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، جلد ۱۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی للطباع والنشر والتوزيع.
- نعمتی، مژگان؛ حبیب‌زاده، محمدجعفر و موسوی مجاب، سید درید (۱۴۰۰). «پاسخ پارلمانی قوه قضائیه به مثابه چالش استقلال قضایی»، *مجله حقوقی دادگستری*، دوره ۴۸۵، شماره ۱۱۵.

References

- Al-Sayed, Ahmed (1997). *Al wasit in explaining the civil and commercial procedures law*, Cairo: Dar Alnahdat Alearabiati.
- Ayyad, Abdul-Rahman (2010). *Fundamentals of Judicial Science, a Comparative Study of Islamic Jurisprudence and The Systems of The Kingdom of Saudi Arabia*, Saudi Arabia: Institute of Public Administration.
- Hamad, Ahmed M A; Mohd anuar, Haslinda and Halim, Rohizan (2020). "The Rule of Law and the Reality of the Judiciary during the Period of Palestinian Political Division, International Journal of Multidisciplinary Sciences and Advanced Technology, 1 (4), 27-33.
- Obied, Dina (2001). "Independence of the Judiciary under the Palestinian National Authority", *New England International and Comparative Law Annual*, 7 (1), 102-128.
- OSCE office for Democratic Institutions and Human Rights (ODIHR) (2012). *Legal Digest of International Fair Trial Rights*. Warsaw: Agencja KARO.
- Palestinian National Authority (2020). *Constitution of Palestine: A Comprehensive Guide to Palestinian Governance and Legal Principles*, Glasgow: Good Press.
- Shetreet, Shimon and Chodosh, Hiram (2024). *Judicial Independence: Cornerstone of Democracy*, Leiden: Brill Nijhoff.
- Vitkauskas, Dovydas And Dikov, Grigory (2017). *Protecting the right to a fair trial under the European Convention on Human Rights*, Strasbourg: Conseil of Europe.

Documents and Cases

- Committee of Ministers Council of Europe (2010). *Recommendation CM/Rec(2010)12 on judges: independence, Efficiency and Responsibilities*, Strasbourg: Council of Europe.
- Constitutional Court of Kosovo (2012). Case KI06/12, Applicant: Bajrush Gashi, Judgment of 9 May 2012.
- Constitutional Court of Kosovo (2017). Case KI33/16, Applicant: Minire Zeka, Judgment of 6 July 2017.

- Constitutional Court of Kosovo (2019). Case KI187/18 and KI11/19, Applicant: Muhamet Idrizi, Judgment of 29 July 2019.
- Constitutional Court of Kosovo (2020). Case KO203/19 and Case KO219/19, Applicant: The Ombudsperson, Judgment of 30 June 2020.
- Constitutional Court of Kosovo (2021). Case KO127/21, Applicant: 11 deputies of the Assembly of Kosovo, Judgment of 9 December 2021.
- Constitutional Court of Turkey (2012/A). Decision No. E.2011/43, K.2012/10, Dated 19 January 2012.
- Constitutional Court of Turkey (2012/B). Decision No. E.2012/69, K.2012/149, Dated 11 October 2012.
- Constitutional Court of Turkey (2013). Case of Güler Ergun and Others, No. 2012/13, Judgment of 2 July 2013.
- Constitutional Court of Turkey (2023). Case of Can Atalay, Decision No. E.2023/91, Dated 4 May 2023.
- Court of Cassation of Turkey (2009). No. E.2005/159, K.2009/62, Judgment of 7 May 2009.
- Court of Cassation of Turkey (2015). Case of İlhan Cihaner (5), No. 2013/9285, Judgment of 8 September 2015.
- Court of Cassation of Turkey (2016). Case of Şevki Burak Kaya, No. 2013/2818, Judgment of 6 January 2016.
- ECtHR (1984). Case of Campbell and Fell v. The United Kingdom, (Nos.7819/77; 7878/77). Judgment of 28 June 1984.
- ECtHR (1989). Case of Hauschildt v. Denmark (No.10486/83), Judgment of 24 May 1989.
- ECtHR (1994). Case of Van de Hurk v. The Netherlands, (No.16034/90), Judgment of 19 April 1994.
- ECtHR (2001). Case of Sahiner v. Turkey (No.29279/95), Judgment of 25 September 2001.
- ECtHR (2003). Case of Kleyn and Others v. The Netherlands (Nos.39343/98.etc), Judgment of 6 May 2003.
- ECtHR (2008/A). Case of Kayasu v. Turkey (Nos.64119/00 and 76292/01), Judgment of 13 November 2008.
- ECtHR (2008/B).Case of Moiseyev v. Russia, (No.62936/00), Judgment of 9 October 2008.
- ECtHR (2009). Case of Parlov-Tkalčić v. Croatia, (No. 24810/06), Judgment of 22 December 2009.
- ECtHR (2010/A). Case of Bek v. Turkey (No.23522/05), Judgment of 20 April 2010.
- ECtHR (2010/B). Case of Özpinar v. Turkey (No.20999/04), Judgment of 19 October 2010.
- ECtHR (2010/C). Case of Urban and Urban v. Poland (No.23614/08), Judgment of 30 November 2010.
- ECtHR (2012). Case of İbrahim Gürkan v. Turkey (No.10987/10) Judgment of 3 July 2012.
- ECtHR (2015). Case of Tanışma v. Turkey (No.32219/05), Judgment of 2 May 2015.
- ECtHR (2018). Case of Thiam v. France, (No.80018/12), Judgment of 18 October 2018.
- ECtHR (2022). Case of Kozan v. Turkey (No.16695/19), Judgment of 1 March 2022.
- GRECO (2022). Fourth Evaluation Round – Compliance Report on Turkey, GrecoRC4 2022 (5), Strasbourg: Council of Europe.
- Human Rights Committee (2007). General Comment, No.32, U.N. Doc. No. CCPR/C/GC/32.
- Judicial Authority Law No.1 (2002). Approved by the Chairman of the Executive Committee of the Palestine Liberation Organisation and the President of the Palestinian National Authority.
- Palestinian Basic Law (2003). Adopted by the Palestinian Legislative Council (Legislative Assembly) of the Palestinian National Authority.
- Republic of Turkey (2001). Law No.4709 of 3 October 2001 amending certain provisions of the Constitution of the Republic of Turkey. Official Gazette No.24556.

In Persian

- Amiri, Mohsen and Vige, Mohammad-Reza (2014). “Fundamental Principles Governing the Guarantee of Judicial Independence in the Iranian Legal System, with a View to French Law”, Quarterly Journal

- of Comparative Law Research, 18 (3), 1-26.
- Azizi, Ebrahim; Amiri, Mohsen and Vijeh, Mohammad Reza (2013). "The Effect of Judge Selection Method on Judge Independence in United States Law, with a View to Iranian Law", Quarterly Journal of Comparative Law Research, 17 (1), 121-144.
- Fallahnejad, Fatemeh (2022). "Judicial Independence and Impartiality as a Manifestation of Fair Trial in the Protection of Citizen Rights; Iran's Legal System Compared to the People's Republic of China", Bi-Quarterly Journal of Comparative Law Studies, 13 (26), 737-755.
- Fazaeli, Mustafa (2018). Fair Trial: International Criminal Trials, 4th edition, Tehran: Shahr Danesh.
- Habibzadeh, Mohammad-Ja'far; Keramat, Ghasem and Shahbazinia, Morteza (2010). "Judicial Independence in the Iranian Legal System with a Comparative Study", Quarterly Journal of Comparative Law Research, 14 (4), 23-51.
- Ja'fari, Sajjad and Ra'i Dehaghi, Masoud (2012). "A Study of the Human Rights Components of the Rule of Law in International Law", Iranian Quarterly Journal of Political Sociology, (10) 5, 3404-3418.
- Khandani, Vahid and Amerinia, Mohammad-Bagher (2018). "Judicial Independence in Iranian and English Law", Quarterly Journal of International Legal Research, 11 (41), 191-206.
- Mirzadeh Koochshahi, Nader; Ghazizadeh, Hossein and Shirazi, Mohammad-Mehdi (2019). "A Critical Analysis of the Performance of the Iranian Legal System in the Context of the Concept of Judicial Independence", Quarterly Journal of Islamic Human Rights Studies, 9 (19), 245-274.
- Nemati, Mojgan; Habibzadeh, Mohammad-Jafar and Mousavi Mojab, Sayyed Dorid (2021). "The Parliamentary Response of the Judiciary as a Challenge to Judicial Independence", Justice Legal Journal, 85 (115), 327-347.
- Parvin, Khairollah (2024). Human Rights from Theory to Practice, 3rd edition, Tehran, Mizan Publications.
- Setayshpour, Mohammad (2022). "Independence of Judges in the Legal System of the Islamic Republic of Iran in the Light of the Teachings of the Revealing Religion of Islam", Quarterly Journal of Legal Civilization, 5 (12), 383-396.
- Shamloo, Baqer and Shahram Mohammadi (2011). "Violation of the Impartiality and Independence of the Judge; a Manifestation of an Action that Disrupts Fair Trial", Legal Research Quarterly, 14 (3), Special Issue No. 6, 93-136.
- Tavakolinia, Omid (2021). "Bangalore Principles on Judicial Conduct from the Perspective of Islamic Law", Quarterly Journal of Research and Development in Comparative Law, 4 (13), 13-50.

In Arabic

- Abu Suway, Mahmoud Muhammad (1437 AH). Separation of Powers and Judicial Independence in Palestine: Conflict of Jurisdiction in the Justice Sector. Mahmoud Abu Suway, Master's Thesis, Birzeit University.
- Al-Rayyes, Nasser (1423 AH). The Judiciary in Palestine and the Obstacles to its Development, Ramallah: Al-Haq Foundation.
- Idris, Jad Ibrahim Subhi (1446 AH). The Independence of the Constitutional Judiciary According to the Palestinian Legal System, Master's Thesis, Al-Quds University.
- Mansour, Kamil (1433 AH). The Independence of the Judiciary in Palestine: A Conceptual Paper, Birzeit University, Institute of Law
- Najafi, Muhammad Hassan (1402 AH). Jawahir al-Kalam fi Sharh Shara'i' al-Islam, Volume 12, Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi for Printing, Publishing and Distribution.
- Shahid Thani, Zayn al-Din ibn Ali Amili (1423 AH). Masalik al-Afham ila Tanqih Shara'i' al-Islam, Vol. 14, Qom: Mu'assasat al-Ma'arif al-Islamiyya.
- Shaykh Ansari, Murtaza (1415 AH). Judiciary and Testimonies, Qom: The World Conference on the Occasion of the Bicentenary of the Birth of the Great Shaykh Ansari. General Secretariat.

Shaykh Tusi, Abu Ja'far Muhammad ibn Hasan (1407 AH). Al-Khilaf fi al-Ahkam, vol. 3, Qom: Islamic Publishing Institute.

The Independent Commission for Human Rights (1442 AH). Report on the Human Rights Situation in Palestine, Ramallah: The Independent Commission for Human Rights.

The Palestinian Association for the Protection of Human Rights and the Environment (1420 AH). Judicial Independence in the Palestinian National Authority Areas: Reality and Aspirations, Jerusalem: The Palestinian Association for the Protection of Human Rights and the Environment.